

و با آنها گفتیم: در حالیکه پشت خم کرده اید (رکوع مانند) داخل دروازه شوید و گفتیم که در روز شنبه شکار ماهی نکنید و تجاوز کار نباشید و از آنان پیمان سخت گرفتیم (که روز شنبه کسب نکنند).

۱۵۵- قَبِيْمًا نَقَضْتُمْ مِيْمَاتِهِمْ وَ كَفَرْتُمْ بِمَا يَاتُكُمُ اللّٰهُ وَ قَتَلْتُمْ اَوْلَادَهُمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوْبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللّٰهُ عَلَيْنَهَا بِمَا كَفَرْتُمْ هِيَ فَتَايَا يَوْمِنُوْنَ اِلَّا اَقْلِيْلًا. پس به سبب شکستن پیمان و کافر شدن به سخنان خداوند و کشتن پیغمبران و گفتن اینکه دلهای ما بسته است (بود)، بلکه خداوند بردهای آنها به جزای کفرشان مقرر نهاد و از آنان جز گروه اندکی ایمان نیاورند ا

۱۵۶- وَ يَكْفُرْ هِيْمٌ وَقَوْلِهِمْ عَلٰى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيْمًا. و بواسطه کافر شدنشان و دروغی بدان بزرگی که به مریم بستند. (نسبت زنا دادند).

۱۵۷- وَقَوْلِهِمْ اِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيْحَ عِيْسَى بِنِ مَرْيَمَ زَيْسُوْنَ اللّٰهِ وَمَا قَتَلُوْهُ وَمَا صَلَبُوْهُ وَلٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَ كَفَتْنِ اِيْشَانِ كِه مَاعِيْسَى مَسِيْحَ رَسُوْلَ اللّٰهِ اِنْ كَفَرْتُمْ اَوْ رَضُوْا رِيْكَه اَوْ رَا نَكِشْتُمْ وَ بِه دَارِ نِيَا وَ بِيْجْتَنِدْه و لَكِنْ بَرَا نَهَا مُشْتَبِه كَرْدَنْد و مَرْدِي رَا بِصُوْرَتِ عِيْسَى بَالَايِ دَار كَرْدَنْد اَوْ اِنْ اَلَّذِيْنَ اِخْتَلَفُوْا فِيْهِ لَقِيَ شَكْكَ مِثْنَه مَالَهُمْ بِه مِنْ عِلْمٍ اِلَّا اِتْبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوْهُ يَقِيْنًا. کسانی که در این کار اختلاف داشتند، در کشتن و ذار زدن عیسی هم شک داشتند و ایشانرا دانشی نیست جز پیروی از گمان خویش و در پی پنداشت رفتن او بطور یقین او را نکشتند.

۱۵۸- بَلْ رَفَعَهُ اللّٰهُ اِلَيْهِ وَ كَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا. (او را نکشتند) بلکه خداوند او را بسوی خود برد و خداوند توانا و دانا و راست دانش است.

تفسیر ادبی و عرفانی

۱۴۷- مَا يَفْعَلُ اللّٰهُ بِعِبَادِكُمْ اِنْ شَكَرْتُمْ. آیه. در این آیت، خداوند از بندگان شکر می خواهد شکر کند که آنان را از عقوبت و جادان آیین می کند، و شکر آنست که نعمت را همه از منبع حقیقی دانی و بنده و از کبر به خدمت بر بندگی و نعمت او را در خدمت او بکار داری، اشرایط بندگی بجای آری و آن شرط دو چیز است: پاکی و راستی، پاکی از هر چه سبب آرایش دین است مانند: بخل و ریا و کینه و حرص و طمع، و راستی در هر چیز که سبب آرایش دین است، چون: سخاوت و توکل و قناعت و صدق و اخلاص. پس چون پاکی و راستی آمد، او را خلعت بندگی پوشند و پیراسته و آراسته فرا پیش مصطفی برآند تا ویرا به امتی بپذیرد، و اگر چنان بود که جمال این خلعت نبیند و نشانه پاکی و راستی بروی آشکار نیسود، شکر و ایمان از وی درست نیاید و مردود بن گردد و او را به امتی قبول نکنند، چون بدرگاه اسلام کسی عزیز تر از آن نیست که پاک و درست باشد، و اول نوازشی که خدای با او کند آنست که در پیرانست بر او بگشاید و چراغ معرفت و دانش در دلش بر فرزند تا آنچه برای دیگران شهر است برای او عیان باشد و آنچه برای دیگران علم یقین است برای او عین یقین باشد و در مملکت حادثه ای روی ندهد مگر آنکه ویرا از آن خبر دهند. که پیغمبر فرمود: از فراست مؤمن بهره یزید که او به نور خدائی می نگرد، و این دیده سیر چون بید آید، چون دیده سیر بود که بی پنج می بیند ا

در تحقیق فراست اولیاء روایت کنند که: علی امیر المؤمنین (ع) روزی پا در رکاب کرد که به غزه ای رود، منجمی او را بید و گفت: یا علی، امروز در طالع تو بحکم نجوم نگاه کردم، تو را روی رفتن نیست و تو را نصرت نخواهد بود، فرمود: ای مرد، از مرکب من دور شو، من حیندر کمری پا در رکاب کرده ام تا چون تویی رکاب مرا گیرد و از رفتن باز دارد ا

دور شو که اندیشه سینه علی کمتر از اثر خورشید در فلک نباشد، اگر فلک را از بهر کار در گردش آورده اند ما را نیز برای کاری در روش آورده اند، کسی که دقیقه او حقیقت و ثابته او آیت بود و اسطرلاب او دل او بود اندیشه او کم از رای تو نباشد، همین امروز من به جنگ خواهم رفت و مرا به فراست معلوم شده که از لشکر من کسی کشته نشود و اگر کشته شوند به ده نفر نرسند ولی از لشکر دشمن، ماندگان به ده نفر نرسند، چون جنگ در گرفت سرانجام که شماره شد، کشته های لشکر علی به ده نفر رسید و از فراریان و ماندگان لشکر دشمن که شماره کردند از نه نفر زیادت نبود.

۱۴۸- لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ. آیه. سخن ببدی گفتن در وصف خالق پسندیده نیست و در وصف مخلوق هم سخنی که تورا در شرع دستور نیست ناروا است، که آن از بی حرمتی و بی وفائی رود و مایه بدعت و این یکی عین معصیت است، لکن سخن ستم دیده درباره ستم گر چون بدستور شرع است روا باشد، چون آن سخن بد نیست، و نام بدی بر او از جهت کیفر و سزا است که جزای بدی بدی است، اما چون مرد مردانه بود سزای بدی را بدی ندهد و داند که بخشودن نکوتر است که خداوند فرمود: هر کس به بخشد و اصلاح کند پاداش او با خدا است.

۱۴۹- اِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا اَوْ تَخَفُوهُ، آیه. خیر آشکارا اشارت است به احکام آداب شریعت و خیر پنهان اشارت است به تحقیق احکام حقیقت و بخشودن بدی اشارت است به تحصیل محاسن اخلاق که هر کرا آن همه حاصل گشت، خداوند او را به مطلوب خویش میرساند.

۱۵۳- يَسْتَلْزِمُكَ اَهْلُ الْكِتَابِ. آیه. چه بی خود و بی حرمت بودند آن گروه که دیدار خدا را میخواستند و آنگاه گوساله می پرستیدند کسی که گوساله معبود او است، کی روا باشد که حق مشهود او بود؟ از این سؤال، آنانرا جز خواری و مذلت نیامد و جز بیگانگی آنان نیز بود، از آنکه دیدن خدا را نه بر وجه تعظیم خواستند و نه بر موجب تصدیق و نه بر غلبه اشتیاق در صورتیکه نیکان امت مصطفی چون در آرزوی دیدار حق بسوختند و از تعظیم و اجلال آنچه درد دل داشتند بر زبان نیاوردند، لاجرم خداوند مرهم دل ایشان را گفت: شوق نیکان به دیدار من به درازا کشید در حالیکه شوق من به دیدار آنان بیشتر است!

... وَآتَيْنَا مُوسَى السُّلْطَانَا مُبِينًا. آیه. این سلطان مبین، قوت دل بود و کمال حال، که طاقت شنیدن سخن حق بی واسطه داشت!

لطیفه: از موسی پرسیدند از بجا دانستی که حق با تو سخن می گوید؟ گفت نورا الهی و آثار عزت و جبروت و کبریائی احدیت مرا فرا گرفت! دانستم که حق با من سخن می گوید.

پس خداوند، چنانکه موسی را درین جهان در شنیدن سخن حق سلطان مبین داد! به امت محمد در جهان دیگر، در دیدار حق سلطان مبین داد!

تفسیر لفظی

۱۵۹- وَاِنْ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا. از اهل کتاب هیچ کس نیست (که فرود آمدن عیسی را از آسمان دریابد) مگر کسی که به وی بگردد پیش از مرگ او و روز رستاخیز بر آنها گواه باشد (که رسالت را تبلیغ و به بدگی خود نسبت بخدا اقرار کرده است).

۱۶۰- فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ اُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ

کثیراً. پس به سبب بیدادگری بعضی جهودان، ما چیزهاییکه حلال و پاک بود بر آنان حرام کردیم، و دیگر بواسطه بازگردانیدن مردمان بسیاری را از راه خدا بود.

۱۶۱- وَأَخَذِ هِمُّ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا. و دیگر بواسطه رباخواری آنها در صورتیکه ایشانرا (در تورات) از ربا باز زده بودند و بواسطه خوردن مالهای مردم بباطل و لغو بود، و ما برای کافران (از قوم یهود) عذاب دردناکی آماده ساختیم.

۱۶۲- لَكِنَّ الرَّاٰسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُوْنَ يُؤْمِنُوْنَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا. لکن فرورفتگان در علم از آن گروه و ایمان داران آنها که به آنچه بتو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده (انجیل) ایمان دارند و بپای دارندگان نماز و دهندگان زکات و کسانی که به خدا و به روز قیامت ایمان دارند، آنانرا ما پاداشی بزرگ خواهیم داد.

۱۶۳- إِنَّا وَحَّيْنَا إِلَيْكَ كَمَا وَحَّيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا. ما به تو (ای محمد) وحی فرستادیم چنانکه به نوح و پیغمبران بعد از او، وحی فرستادیم به ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان آنها و به عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان و برای داود زبور فرستادیم.

۱۶۴- وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا. و پیغمبرانی که قصه ایشانرا بر تو از پیش، فرستادیم و پیغمبرانی که قصه ایشانرا بتو فرستادیم و هم چنین قصه موسی که با خداوند سخن گفت سخن گفتنی (بی واسطه).

۱۶۵- رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا. و فرستادگانی بشارت دهنده و بیم دهنده (بودند)، تا برای مردمان بر خدای حجتی بعد از فرستادگان نماند، که خداوند توانا و راست دانش است.

۱۶۶- لَكِنَّ اللَّهَ يُشْهِدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا. لکن خداوند به آنچه به تو فرو فرستاده گواهی می دهد و آنها را به دانش خویش فرو فرستاد، و فرشتگان گواهی می دهند به آن و گواهی خدای بسنده است.

۱۶۷- إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا. کسانی که کافر شدند و مردمانرا از راه خدا برگردانیدند، به تحقیق گمراه شدند گمراهی دوری.

۱۶۸- إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا. آنها که کافر شدند و بر خود ستم کردند، خداوند ایشانرا نخواهد آمرزید و نه آنها را به راهی رهنمائی می کند.

۱۶۹- إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ابْتَدَأَ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا. جز راه دوزخ (برای کافران) که در آنجا جاویدانند و این امر بر خداوند آسان است.

تفسیر ادبی و عرفانی ﴿﴾

۱۵۹- **وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ . آیه .** هر چند ظاهر آیه قومی را به خصوص آمده اما از روی اشارت، حکم بر عموم است و بندگان را تائبی تمام است تا چشم عبرت باز کنند و از وقت معاینه بترسند، آن ساعت که دلم را منشور نو میدی نویسد و رفته ازلی و سابقه حکمی در رسد اما از روی فضل، بنوازش و لطف در باره مؤمنان و از روی عدل، بسپاسیت و فخر در حق کافران و منافقان .

۱۶۰- **فَيُظِلُّمِ مِنَ اللَّذِينَ هَادُوا ... آیه .** ارتکاب امور ممنوع، موجب تحریم مباح است، اگر لطفاتی و کرامتی در بنده ای بینی، از آن سبب است که ظاهر شریعت را نگاه داشته و تعظیم آن به دل و جان خواسته تا به رُوح مناجات رسیده، و اگر برعکس، سیاستی در بنده ای بینی، از آن جهت است که به چشم انکار در شریعت نگریسته و در متابعت نفسِ امّاره ممنوعهای دین را بکار بسته، آری، چنین بود که هر کس از ظاهر شرع دست بردارد، جمال حقیقت از او روی بپوشد، و هر کس امر و نهی شریعت را پست دارد، ایمان و معرفت از دل او رخت بردارد!

۱۶۲- **لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ . آیه .** را سخنان در علم کسانی هستند که علم شریعت، علم طریقت، علم حقیقت را حاصل شده باشد، که گفته اند: علم شریعت، آموختنی است، علم طریقت معاملتی است، و علم حقیقت یافتنی است! خداوند علم شریعت را حوالت به استاد کرد، و علم طریقت را به پیر حوالت داد، و علم حقیقت را با خود حوالت کرد. هر کس پندارد که علم شریعت را استاد در کار نیست زندیق است و یا آنکه علم طریقت بی پیر میسر شود فتان و فریبنده است و یا آنکه علم حقیقت را جز حق معلم اعلی است، مغرور است!

۱۶۳- **إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا . آیه .** خداوند پیغمبران را به خلق فرستاد تا راه طاعت پدید کنند و بنده از آن راه به ثبوت و کرامت رسد، و نیز تاراه گناه و نافرمانی نشان دهند، تا مردم از آن حدّ رنمایند و بندگان از آن پرهیز کنند و سزاوار کیفر نگردند. این است فضل بی نهایت و کرم بی غایت، که اگر رسول نفرستادی و بنده را بجای مانندی و چراغ رهبری به دست رسولان فراراه وی نداشتی، بنده در غشاوت ظلمت و خودرانی مانندی همه آن خوردی که زهر شدی و همه آن کردی که تباہ گشتی. پس باور کنید که پیغمبران، پیشوای جهانیانند و بر سر کوی دوستی داعیانند، و رلب چشمه زنده گانی، ساقیاننده و شریعت را عنوان و حقیقت را برهاند و اگر آفرینش مخلوقات را مقصودی بوده، ایشانند و اگر حقیقت را گنجی است ایشان خازنانند!

... **إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا .** فرمان آمد ای پیغمبر، آن تابشی که از عالم وحی بتو رسید، آنرا رسالت خوانند و پیش از تو به هر یک از فرستادگان باندازه خویش دادیم، اما آنچه و رای عالم رسالت است دولت تو است، روا نبود که دست هیچ ستمگری به آن رسد و یا دولت هیچ رونده ای آنرا دریابد! که مصطفی خود فرمود: چند آنکه از عالم نبوت به زبان رسالت با دیگر پیغمبران بگفتند، ما ما از عالم حقیقت به زبان وحی بگفتند! که مرا با خدا وقتی است که هیچ فرشته مقرب و هیچ پیغمبر مرسل را در آن وقت راه نیست!

تفسیر لفظی ﴿﴾

۱۷۰- **يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرَ الْكُفْرِ وَإِنْ تَكْفُرُوا**

فَإِنَّ اللَّهَ مَلَأَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مَنْ يَدْعُونَ بِسْمِ اللَّهِ إِذْ يُدْعُونَهُ لَعْنَةُ اللَّهِ الْفَاعِلِينَ أَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْخَلْقُ إِذْ يَدْعُونَ يَوْمًا كَمَا إِذَا يُدْعَأُ الْمَوْلُودَ يَوْمَ يَدْعُوهُ أَسْمَاءً كَمَا إِذَا دُعِيَ الْعَبْدُ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا .

۱۷۱- يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ . أَيُّ أَهْلِ كِتَابٍ (انجيل) در دین خود از اندازه مگذرید و غلو مکنید و برخدا جز حق نگویید و بدانید که عیسی پسر مریم فرستاده خداوند است که کلمه (بوجود آورنده) خود را به مریم افکند و جانی از او به وی بخشد . فَمَا نَبَأُ اللَّهِ . وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً إِنْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا . پس به خدا و فرستاده او ایمان آورید و مگوئید سه تایی (خدا عیسی، مریم) باز گردید (ازین گفته) که خیر شما در آن است . همانا خدای یگانه است و پاک و منزّه است از اینکه دارای فرزند باشد آنچه در آسمانها و در زمین است خداوند راست و او بنسند است به کار سازی و کار پذیری !

۱۷۲- لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا . هرگز عیسی ننگ و استنکاف ندارد از پرستش خداوند و نه فرشتگان مقرب ، و هر کس استنکاف کند و تکبر به خرج دهد و از پرستش خدا گردن کشد ، روز قیامت همه آنها با هم محشور خواهند شد .

۱۷۳- فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا . اما کسانی که ایمان آوردند و کار نیک کردند ، خداوند پاداش آنها را خواهد داد و از عطاء خود بر آنان بیفزاید ، اما آنان که استنکاف ورزیدند و گردن کشیدند ، ایشانرا عذابی دردناک خواهد بود و جز خداوند کسی را کار ساز و یاور نخواهند یافت .

۱۷۴- يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا . ای مردم حجتی از سوی خداوند بشما آمد و فرود فرستادیم بسوی شما روشنائی پیدا (قرآن) .

۱۷۵- فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا . اما کسانی که ایمان آوردند و دست توکل و پناه در خدا زدند ، آنان در رحمت و بخشایش حق داخل و بسوی راه راست رهبری خواهند شد .

۱۷۶- يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ تَرَكُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ أَلَدَتْ آيَاتُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا آيَاتُهَا أَلَدَتْ آيَاتُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا آيَاتُهَا أَلَدَتْ آيَاتُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا آيَاتُهَا أَلَدَتْ آيَاتُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا آيَاتُهَا أَلَدَتْ آيَاتُهَا . شما را فتوی می دهد که اگر کسی مرد و هیچ فرزندی ندارد و تنها بکث خواهد دارد ، نیمی از مال برای او است و برادر هم از خواهر ارث می برد اگر خواهر فرزند ندارد . فَمَنْ كَانَ مِنَ الثَّلَاثِينَ فَلَهُمَا الثَّلَاثَانُ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذِي كَرِمِثْلُ حَظِّ الْأُنثَىٰ بَيْنَ بَيْنِ اللَّهِ لَكُمْ أَنْ تَصِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ . اگر خواهرها دونفر باشند دو ثلث از ترکه می برند و اگر چند برادر و خواهر باشند برادر دو برابر خواهر می برد ، این است

حکم خداوند که برای شما روشن میشود، مبادا گمراه شوید او خداوند به هر چیزی دانا است .

تفسیر ادبی و عرفانی ❁

۱۷۰- يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ . آیه . اشارت است باینکه درگاه ربوبیت و جلال احدیت از طاعت مطیعان بی نیاز و از عبادت مردمان پاک است ، اگرچه آفریننده همه افلاک و سماوات و موجودات است و همه به کم عدم باز شوند ، پاکی ، خداوند را زیانی نیست و از ایشان پیوندی به او نرسد و احدیت او جمال است و صمدیت او ویرا جلال است و بی نیازی از زن و فرزند او را کمال است .

... وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ لَمَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . آیه . می گوید اگر مردم جمله بندگی را واگذارند و کفر بند طاعت را سست کنند ، نتوانند بند بندگی را از خود دور کنند ، که همگی بندگان خداوند ، لیکن فرق است میان بنده ای که از روی آفرینش نام بندگی بر او افتاده و میان بنده ای که از روی نوازش و لطف این نام بر او نهاده اند ، اینان مقبول حضرتند و آنان مطرود قطیعت (گروه) نه هر که بنده است نواخته لطف است یا در بند مهربان است ! بنده برستی دانی کدام است ؟ کسی که آراسته انعام و اکرام است و در حضرت وصال و مجلس انس ، شراب میهر او در جام است !

پیر طریقت گفت : الاهی جمال من در بندگی است ، ورنه زبان من بیاد تو کی است ؟ دولت من آنست که بیاد تو ام اورنه ذکر من مرا ارزش چیست ؟

۱۷۱- يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ . آیه . غلوا اهل انجیل در این بود که عبودیت بجای ربوبیت نهادند و صفت لاهوت (۱) به ناسوت فرو آوردند و به سومی سه تا گویا شدند ! و یگانگی و یکتائی خدای را از دست بدادند ! و خداوند فرمود : سه مگوئید ، و از این سخن باز گردید و بدانید که خدا یکی است ، در ذات یکتا ، در صفات بی همتا ، و از عیبها جدا ، در صنعتش حکمت پیدا ، در نشان هایش قدرت هویدا ، و در یکتائیش حجت نمایان ، همه عاجزند و او توانا ، همه جاهلند و او دانا ، همه در عددند و او واحد ، همه معیوبند و او معبود .

۱۷۲- لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ . آیه . هرگز در خاطر مریم نیامد که باطن او خزانة قدرت شود ، صدف وار ، آن در پاك را نگاه میداشت تا آن روز که به خواص بحار قدرت (جبرئیل) فرمان آمد که آن گوهر دولت را از صدف اسرار بیرون گیر و بر صخرای وجود بر دیده اهل آفرینش عرضه کن ! چون در وجود آمد قومی ایستادند که گیاه بی تخم کی روید ؟ و فرزند بی پدر چون بود ؟ این بنده نیست و از بندگی ویرا جز ننگ نیست ! لیکن دست تقدیر ایشانرا پاسخ گوید : که در خزانة قدرت این چنین شکفتنها بدیع نیست ، چنانکه آدم بنده است و جلقه بندگی در گوش ، نه او را پدر است نه مادر ، فرشتگان همه بندگانند نه ایشان را مادر است نه پدر ، عیسی در مهد طفولیت اول یعنی که گفت جواب ایشان بود ، که گفت : منم بنده خدا ! مرا از بندگی ننگ نیست و شرف وجود من جز در بندگی نیست .

۱۷۳- أَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا . آیه . باش تا فردا آنان که از بندگی ننگ داشتند و برتری جستند ، بار ربوبیت در کبر بایئ منازعت کردند ، همگی بفرق ناکسانه چون فرعون و نمرود بندند که نعره «منم خدا» میزدند و آنرا سرنگون به دوزخ اندازند و به ایشان گویند : باری بنگر که از که ماندستی باز .

برتری جستن و تکبر کردن نه کار دین داران است و استکبار نه راه بندگان است ، بنده باید که خواهان خواری

(۱) لاهوت را عالم روح مجرد و ناسوت را عالم روح در جسم ، و میان این دو تارا عالم ملکوت و جبروت گفته اند .

نفس خویش باشد تا از جمال دین برخوردار گردد، که فرمود: هرگاه خداوند بخوبی بهره بنده اش کند نفس او را در نظرش ذلیل گرداند.

گویند: روزی در عهد خلافت عمر خطاب، او را دیدند مشکی پر آب به گردن آویخته، او را از سبب این کار پرسیدند؟ گفت: به من گفتند که قیصر روم را از سیاست تو خواب نمانده هماندم نفس من بخود باز نگریست! خواستم او را ادب کنم و او را بشکتم! سپس آب را به خانه پیرزی بردا.

لطیفه: یکی از بزرگان عارفان را عادت این بود که در صفت آخر نماز استادی، گفتند: بهترینیست که در صفت اول بایستی؟ گفت: صدر سزاوار خداوندان باشد، بندگانش را با صدر عزت چه کار؟

۱۷۴- يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ . آیه . جلال احدیت بر نقطه بشریت منت می نهد که شما را دو چراغ افروختیم یکی در دل و یکی در پیش، آنچه در پیش است احکام الاهی است که عین برهان است و آنچه در دل است چراغ ایمان است و نور تابان، خنک مر آن بنده ای که میان این دو چراغ روان است، عزیز تر از او کسی است که نور اعظم در دلش تابان است، و دیده و روی دوست دیده دل او را عیان است و یک نفس با دوست به دو گیتی ارزان است، یک دیدار از دوست به صد هزار جان رایگان است!

جان نیز به نزد تو فرستیم بدین شکر صد جان نکند آنچه کند بوی وصال

۱۷۵- فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا . آیه . از بنده ایمان و اعتصام به حکم بندگی و از خداوند فضل و رحمت به صفت مهربانی، که بندگان را رشد و هدایت دهد. تا بدانند که آنچه از ثواب بهره بردند همه از فضل و کرم او بوده نه به ایمان و اعتصام ایشان، که مصطفی فرمود: عمل بندگان آنان را نجات نمی دهد بلکه این فضل خدا و رحمت او است، گفتند: حتی عمل شما؟ گفت: آری، مگر آنکه ما را قرین رحمت و مشمول عنایت خود گرداند!

سوره ۵۰ - مائده - (مدنی) ۱۲۰ - آیه - جز و ششم

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : تفسیر مفصل آن در سوره « بقره » گذشت .

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ . ای کسانی که ایمان آوردید، به پیمانهای خود وفا کنید و نگاه دارید، چهار پایان بسته زبان بر شما حلال شده جز آنها که حرمت آنها بشما گفته شده، و در حال احرام حج آن هارا شکار نکنید که خداوند هر چه را اراده کند آن بنده و آن گشاید و حکم می کند .

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَهْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِنِ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا . ای کسانی که ایمان آوردید، نشانیهای دین حق را حلال ندانید و حرمت آنها را نشکنید و نه ماه های حرام (که جنگ در آن حرام است) نه قربانی به (منی) و نه آنچه به گردن قربانی آویخته و نه قصد کنندگان خانه خدا که فضل خدای را می جویند و رضوان او را نمی خواهند، هیچیک از آن حرامها را حلال نکنید و چون از احرام بیرون آید و حلال شدید اگر خواهید شکار کنید .

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَعْتَبُوْا وَتَعْلَوْنَا عَلٰى النَّبِیِّ
وَالْتَقَوٰی وَلَا تَعْلَوْنَا عَلٰی الْاِیْمِ وَالْعُدُوْا وَاَتَقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ شَدِیْدُ الْعِقَابِ . دشمنی گروهی از کافران که
مانع رفتن شما به مسجد الحرام شدند، نباید شمارا وادار کنند که در باره آنها در دشمنی فزونی جوئید و از اندازه درگذرید، بلکه
یکدگر را هم پشت و هم دست باشید و بر نیکی و برهیزکاری با یکدگر یار باشید و در گناه و دشمنی یار هم نباشید و برهیزید
از خشم خداوند و تقوی پیشه کنید که خداوند بسیار سخت کیفر است .

۳- حُرِّمَتْ عَلَیْكُمْ الْمِیْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنِیْزِرِ وَمَا هِلَ لِغَیْرِ اللّٰهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ
وَالْمَوْقُوْذَةُ وَالْمُسْتَرْدِیَّةُ وَالنَّطِیْحَةُ وَمَا اَكَلَ السَّبْعُ اِلَّا مَا ذُكِّیْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلٰی النُّصُبِ وَاَنْ
تَسْتَقْسِمُوْا بِالْاَزْلَامِ ذٰلِكُمْ فِیْسُقٌ . بر شما خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آنچه بنام جز خدا کشته اند
و حیوان خفه شده و با سنگ زدن مرده و از بالا بر زمین افتاده و مرده و باشاخ زدن تلف شده و پس مانده درندگان ، همه
آنها حرام است مگر آنچه نمرده باشد و آنها را بکشید ، و هم چنین حیوانی که بنام بتها ذبح شده و اینکه بازی کنید با تیرها
برای قسمت و قرعه ، همه اینها فسق و نافرمانی خداوند است . اَلْیَوْمَ یَبْسُ الدِّیْنِ كَفَرُوا مِنْ دِیْنِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ
وَ اَخْشَوْنَ الْیَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ وَاَتَمَمْتُ عَلَیْكُمْ نِعْمَتِیْ وَرَضِیْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِیْنًا فَ لَنْ
اضْطُرَّ فِیْ مَخْمَصَةٍ غَیْرِ مُتَجَانِفٍ لِاِیْمٍ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ . امروز کافران از بازگشتن شما از دین اسلام
ناامید شدند، پس از فتنه آنان مترسید و از من ترس داشته باشید . امروز من دین شما را کامل و رسا کردم و نعمتم را در دین بر شما
تمام کردم و پسندیدم و برای شما از پذیرفتن دین اسلام خشنود شدم، پس اگر کسی بیچاره شده و گرفتار گرسنگی باشد و بیم
مرگ رود بی آنکه تعرض به گناه کند ، خوردن حرامهای گفته شده برای او روا باشد که خداوند بخشنده مهربان است :

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . نام خداوندی که به هیچ چیز و به هیچ کس نماند و به هیچ کار هیچ وقت در نماند،
دشمن پرور است و دوست نواز، از نهان آگاه ، و بیچاره را پناه ، عیب پوش است و کارساز ، یاد او آئین زبان ، و دیدار او
زندگی جان ، و یافت او سرور و رجا و دان . پادشاه است بی سپاه و استوار است بی گواه . خدایا ، در سر آب دارم و در دل آتش
در باطن ناز دارم در ظاهر خواهش ، در دریائی نشستم که آترا اکران نیست ، بجان من دردی است که آترا درمان نیست .
۱- يَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا اَوْفُوا بِالْعُقُوْدِ . آیه . بندگان را به ندای کرامت بخواند ، آنگاه فرمان داد
که به وفای پیمان باز آئید و عقدی که بستید و عهدی که کردید بر سر آن عقد و عهد باشید و فرمود : بنده من ، در برابر تو
دو پیمان است یکی اجابت ربوبیت ما ، دیگری تحمل امانت ما ، در اجابت ربوبیت مخالفت مکن و در تحمل امانت
خیانت منما ، اکنون که بخدائی ما اقرار داری کار برد دیگری حوالت مکن و در حلال و حرام جز فرا شریعت مکن .
... اُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِیْمَةُ الْاَنْعَامِ . آیه . حیوانات بعضی حلال است و بعضی حرام ، بعضی کشتن
آن روا و آبرو گناهی نه ، بعضی کشتن نه روا است و طاعتی در میان نه ، نابدائی که حکم خدا برگزینی نه ، و وضع او را علنی نه ،
و آدمی را دریافت آن به نیروی خود راه نیست .
... اِنَّ اللّٰهَ یَحْكُمُ مَا یُرِیْدُ . آیه . خداوند آنچه خود خواهد بدان حکم کند و آن چه خواهد که خود بداند
نه کس را برداش او آگاهی ، و نه برخواست او چون و چرانی ، و نه از حکم او رهائی .

پیر طریقت گوید: الاهی همه از حیرت بفریادند و من به حیرت شادم ، به یکک لبیک در ب همه ناکامی بر خود بگشادم ، در یغا روزگاری که نمی دانستم تا لطف تو را دریازم ، الاهی در آتش حیرت آویختم چون پروانه در چراغ ، نه جان رنج تپش دیده ، نه دل آیم داغ ، الاهی در سر آب دارم در دل آتش ، در باطن ناز دارم و در ظاهر خواهش ، در دریائی نشستم که آنرا کران نیست ، بجان من دردی است که آنرا درمان نه ، دیده من بر چیزی آمد که وصف آن به زبان نه !

خصمان گویند، که این سخن زیبا نیست . خورشید نه مجرم ، از کسی بینا نیست !
۲- لَا تَحْلُوا شِعَابِ اللَّهِ . آیه . شعاب بر خداوند معالم شریعت است و محاسن طریقت و امارات حقیقت و دلالات قدرت و حکمت اوی گوید: هر چه نشان ما دارد حرمت دارید، بتعظیم در آن نگرید ، به فرمان برداری پیش شوید تا بر خوردار گردید .

... وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا . آیه . اشارت است به آنکه بنده همیشه زیر امر حق نخواهد بود و پیوسته بار وجود مانده کشید ، ساعتی در ادای حق ربوبیت ، و ساعتی در جلب حظ عبودیت ، گاهی چنین ، گاهی چنان ، تا بنده بیاساید و میان این و آن زندگی کند ، و پیغمبر فرمود : من از دنیای شما سه چیز دوست دارم : بوی خوش ، زن ، نماز .
پیر طریقت گفت : الاهی ، چون از یافت تو سخن گویند ، من از علم خویش بگریزم ، و بر زهره خود بترسم ، در غفلت آویزم ، نه در شک باشم ، اما خود را در غلطی افکنم تا دی برزنم !

... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى . آیه . می گوید همگی در نیکی و پرهیزکاری ، دست یکی باشید ، هم پشت و هم روی یکدگر باشید ، هر جا که مردم در نیکی و تقوی گرد آیند خود را میان آن جماعت افکنید ، تا به رحمت حق توانگر گردید .

عبدالله مبارک گوید: به مشعر الحرام رسیدم خوابی سنگین بر من غالب آمد ، فرشته ای دیدم که گفت : سیصد هزار نفر در موسم حج هستند و تنها حج یک نفر پذیرفته شد ، چون از خواب بیدار شدم این سخن بر من سخت آمد و دل تنگ و اندوهگین شدم ، هاتقی آواز داد که دل تنگ مدار و بدان که جمله را به طفیل آن یک نفر بیمار زدند تا بدانی که برکت جماعت زیاد است ، ندانی که یک صاحب دولت که کیمیای هدایت باشد و در میان جمع بر آید همه را به رنگ خود کند .
... وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُبُودَانِ . آیه . نیک بنگرید که همه را بر نیکی و تقوی فرماید ، اما قومی را راه گناه و دشمنی در پیش نهد و از نیکی و کاری و پرهیزکاری برمی گرداند ، کار ندارد که چه کسی را خواند ، کار دارد که کرا در گذارد و کرا بپسندد از بر مقبولان حضرت دیگر اند و مطرودان در گاه دیگر و بار دادگان دیگر و محرومان دیگر .

در این آیه ، نیکی موافقت شرع است به امید نجات ، و پرهیزکاری مخالفت نفس است در نافرمانی خدا . گفته اند : معاونت بر نیکی و پرهیزکاری آن است که بر جاده دین با استقامت روی و سیرت بر طریقت پسندیده داری تا دیگران بتواقدا کنند و بر راه صواب به پیروی توروند .

۳- حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ . آیه . مردار گرچه حرام است لکن هنگام ضرورت ، خوردن آن مباح است و از مردارها یکی گوشت برادر مسلمان است که بر وجه غیبت خوردند که هرگز بهیچ صورت جایز نیست !

در این آیه بیان شده که گوشت حیوان را دو حالت است : یکی آنکه چون بشرط شریعت کشته شود ، که در این صورت پاک است و خوردن آن مباح ، ولی اگر خود بمیرد پلید است و خوردن آن حرام است . و این اشارت است به نفس آدمی که اگر با شمشیر مجاهدت و ریاضت بر وفق شرع کشته شود آن نفس پاک باشد و نزدیک شدن به او جایز است و صحبت او

روا و دیدار او روح دل و صحبت او شادی جان است، و هر نفس که در تاریکی غفلت خود بمیرد و در کار دین او را حسن نماند و در حدود شرع کوشش نکند این نفس بمنزلت مردار است که گناه پلید و نزدیکی به او حرام است .
 ... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ . آیه . حضرت امام جعفر صادق فرمود: الْيَوْمَ اِشَارَاتُ اسْتِ بِهٖ اَنْ رَّوْزِ
 که مصطفی را به مردم فرستادند و تاج رسالت و پیغام بری برفرق وی نهادند و بساط رحمت بگسترانیدند و دود شرک از میان رفت و رسوم کفر مندرس گشت، هنوز بشر به وجود نیامده بود که آفتاب رسالت او در آسمان بلندی او استوار گشت !
 که ای مهتر، جمال بنمای تا همه وجود آفتاب شود، صدف رحمت بگشا تا این مفلسان دامن پراز گوهر کنند .

آن روی چرا به بت پرستان فبری؟ جلوه نکنی، کفر ز دلشان فبری؟

نیز فرماید: ای قبله اولین و آخرین، جز حلقه چاکران تو نسازیم، اگر آن آفتاب که در دل تو است اراده باز

دهیم نه در روم چلیپا ماند نه در جهان کفر و زنا را

رحمتی کن بر دل خلق و برون آی از حجاب

تا شود کوه ز هفتاد و دو ملت داوری

... وَ اتَّوَمَّنتُ عَلَیْكُمْ نِعْمَتِی . آیه . گفته اند: اتمام نعمت، مغفرت است در نهایت کار، و کمال دین

تحقیق معرفت است در هدایت حال، منت منهد بر مؤمنان که من اول معرفت دهم و آخر بیمارزم .

... وَ رَضِیتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِیْنًا . آیه . اشارت به سزای که رهگذران بر چهار درگاه است و پس از آن

درگاهها، چهار پل و پس از آن، درجات و مراتب بندگان است :

نخستین درگاه فریضه های دینی است، دومین آن دوری از حرامها، سومین آن تکیه بخدا در راه صفای روزی، چهارمین آن صبر در بلاها و رنجها، و چون از این درگاه ها بگذری، پلهای پیش آید که اول - آن رضا برضای خدادادن و بجز او گردن نهادن و از راه اعتراض برخاستن، دوم - توکل بر خدا و اعتماد به او داشتن و او را پشت و پناه خود گرفتن و وکیل خود شناختن، سوم - شکر نعمت بر خود واجب دانستن و آن نعمت در طاعت وی بکار بردن، چهارم - اخلاص در عمل و در شهادت و در خدمت و در معرفت، شهادت در اسلام، خدمت در ایمان، معرفت در حقیقت، پس از پیمودن آن راه ها و پلهای هر کس به درجه و مرتبه ای که سزای او است میرسد که فرمود: آنان نزد خداوند درجات و آموزش و روزی فراوان دارند .

تفسیر لفظی

۴- یَسْتَسْئَلُونَكَ مَاذَا اُحِلَّ لَهُمْ قُلْ اُحِلَّ لَكُمْ الطَّیِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِیْنَ تُعَلِّمُوْنَهُنَّ مِمَّا عَلَّمْتُمْ اِلَهَ فَنَكَلُوا فَمِمَّا اَمْسَكْنَ عَلَیْكُمْ وَاذْكُرُوا اِنَّمُ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاَتَقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَرِیْعُ الْحِسَابِ . از تو می پرسند چه شکاری برای آنها حلال است؟ بگو: ای محمد، برای شما پاکها (و کشته های چهار پایان) و آنچه که جانورهای شکاری شکار کرده اند از نوع پرندگان و درندگان در حالیکه آموزش یافته باشند و شما با آنها آموخته باشید از آنچه خداوند بشما آموخته است، همه آنها برای شما حلال است. پس از آنچه آنها شکار کنند بخورید و نام خدا را بر آن نهید و پرهیزید از عذاب خداوند که خداوند آسان توان زود شمار است .

۵- الْيَوْمَ اُحِلَّ لَكُمْ الطَّیِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِیْنَ اُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ

لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِنَا فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ. امروز برای شما پاکها حلال شد و هم چنین کشته اهل کتاب برای شما حلال و شکار شما هم برای آنها حلال است و زنان پاک با ایمان برای شما حلال و زنان از کسانی که پیش از شما دارای کتاب (یهود و نصاری) شدند حلال است هرگاه کابین های آنان بدهید و با عقد نکاح پاکان را نگاه دارید نه پلیدان و زنا کاران و نه دوست گیرندگان زنان را، و هر کس که به ایمان کافر شود، کبرداروی تباه و در جهان دیگر از زبان کاران است.

۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. ای کسانی که ایمان آوردید چون به نماز برخیزید رویهای خود را و دستهایتان را بشوید تا آرنجها و سرهای خود را و دو پای خود را تا هر دو کعب (استخوان شتالنگک) مسح کنید و اگر جنب باشید غسل کنید و هرگاه بیمار باشید یا در سفر باشید یا کسی از شما از غایط (جای تخلیه) می آید یا با زنان لمس و پاسیدید (در تمام آن حالها) آب نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید و رویهای خودتان و دستهایتان با خاک مسح کنید، خداوند نمی خواهد بر شما تنگی نهد بلکه می خواهد شما را از پلیدی پاک کند و نعمت طاعت خود را بر شما تمام گرداند تا مگر شما سپاس گزارید.

تفسیر ادبی و عرفانی

۴- يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ. آیه. پاک آنست که شرع پاک داند، پلید آنست که شرع پلید داند، راه آنست که شرع نهاد، چراغ آنست که شرع افروخت، بی شرع هیچ کس بکار روشن نیست، بی شرع دین هیچ کس پذیرفته نیست.

اگر نزهت شرعی، در اندر بندگی گردون و نگر نزهت دینستی، کمر بگشایدی جوزا یعنی بقاء روزگار و افلاک به شرع الاهی است و بقاء و انتظام ستاره جوزا به وجود دین است و گرنه کمر بند آن گسسته و خود آن تباه میشد.

پس حلال آن است که پاک باشد و پاک آنست که زبان به یاد خدا دارد و دل در فکر او آرد و جان بامهر او پردازد و دل را دو صفت است یکی صفوت و روشنائی است که از خوردن حلال خیزد و دیگری قسوت و تاریکی است که از خوردن حرام باشد، کسی که حرام خورد دلش سخت شود و زنگک بی وفائی بر آن نشیند، و او که حلال خورد دلش با صفا گردد تا از مهر خود به مهر حق پردازد، و از یاد خلق به یاد حق برود، همه او را خوانند، همه او را داند. اگر بیند به او بیند و اگر شنود به او شنود.

بندۀ خاص ملک باش که با داغ ملک روزها ایمنی از شجنه و شبهها زعس ... وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ. آیه. آن سگ شکاری که از طبیعت خود دست باز داشت، تا شکار خواجه خود را نگاه داشت، لاجرم فریسه وی حلال گشت و پرورش او در شرع جایز، و گردن بند زرین را

سزاوار شد، پس آدمی که جوهر حرمت است اگر شرط ادب بجای آورد و خود پرستی را با حق پرستی و حق شناسی بدل کند و مراد خویش را فدای ازل کند، نواختی از حضرت اورا پیش آید و در فراغت بر او بگشایند تا به لذت خدمت رسد.

۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ . آیه : طهارت ظاهر سه گونه است : طهارت از نجاست ، طهارت از حدث و جنابت ، طهارت از فضولات تن ، مانند ناخن و موی و چرکی و جز آن ، طهارت باطن نیز سه گونه است :

اول- طهارت تن از گناه ، مانند غیبت و دروغ و حرام خوردن و خیانت کردن و چون این طهارت حاصل شود، بنده آراسته فرمان برداری و خدمت گزاری می گردد و این درجه ایمان پارسایان است و نشان او آنست که پیوسته ذکر حق او را بر زبان است .

دوم- طهارت دل است از اخلاق ناپسند چون عجب و حسد و کبر و ریا و حرص و عداوت ، که عجب و خودبینی و خودپسندی آئینه روی را خراب کند ، حسد ارزش آدمی را کم کند، تکبر و خودنمایی آئینه دل را تاریک کند ریا و خودنمایی چشمه طاعت را خشک نماید ، حرص حرمت مردم را از دست دهد ، عداوت و کینه ورزی آب الفت را باز بندد و راه آشتی را سد کند ، بنده چون از این آلاشها پاک شد در شمار پرهیزکاران است و نشان وی آنست که از گناه بگریزد و در شبهت نیویزد و از دوزخ بگریزد .

پیر طریقت در این باره گوید : الاهی ، هر کس بر چیزی ، و من ندانم بر چه ام ؟ بیم همه آنست که کی پدید آید که من کدام ؟ الاهی ، پیوسته در گفت و گویم ، تا او نمائی در جست و جویم ، از بی قراری در میدان بی طاقی می بویم ، در میان کارم امان نمی بویم ، الاهی ، مرکب و ایستاد و قدم بفرسود ، همراهان رفتند و این بیچاره را جز حیرت نیفزودا . سوم- طهارت سراسر است از سوای خدا ، که فرمود : بگو خدا و همه را واگذار ، این طهارت امروز حیلست و فردا بجام شراب طهور ، امروز نومیدی در دل است و فردا نورعیان در جان ، امروز آب دیده از شوق روان ، فردا آب مشاهدت در جوی ملاطفت روان ، امروز صبح شادی از مطلع آزادی بر آمده ، فردا عنایت در آسمان معاینت ترقی و بلندی یافته ، نشان این طهارت آنست که میهد دنیا بشوید و رسوم معمول محو کند ، حجاب تفرقه بسوزد تادل در باغ انیس بنازد ا و جان در خلوت با حق پردازد ا

جوان مردی عارف در این باره گوید : آخر روزی از این طفل بر آید آوازی ، و از آن کریم با جان دوستدار رازی ، شگفت کاری و طرفه بازاری ، مؤانست بدون بجانست ، چون هم جنسی نیست ، این انیس چیست ؟ چون همانندی نیست ، این مهر چیست ؟ چون تو او را ندیده ای ، این بی طاقی چیست ؟ چون انتظار همه محنت است این شادی چیست ؟ چون دیده سراز او محبوب است این وجد چون آتش چیست ؟ چون در این راه همه بلا است ، در میان بلا این لذت چیست ؟

هر چند بر آتش نشانند غم تو غمناک شوم گرم نماند غم تو

فلسفه وضو : گفته اند : طهارت دست و صورت و سر و پا از آن رواست که خداوند این چهار عضو آدمی را از دیگر جان داران ممتاز ساخت ، دست داد تا با آن غذا خورد ، صورت داد تا از دیگران برتر و زیباتر باشد ، سر داد تا در آن عقل بجای گیرد و در عقل شرف دائمی قرار داد تا روبه کمال رود ، دو پای داد تا قامت زیبا بر دو پای استوار باشد که دیگر جان داران را از این مزیتها نیست ا چون این نعمت را بر فرزند آدم تمام کرد ، پاکی و پاکیزگی این اعضا و جوارح را برای سپاس آن نعمت از او خواست .

نیز گفته اند: طهارت سبب آسایش است چنانکه در قصهٔ مریم هنگام ولادت عیسی، چشمهٔ آبی پدید آمد و مریم از اندوه ولادت و وحشت غربت برست، و طهارت سبب دفع وسوسهٔ شیطان است که فرمود: هرگاه کسی از شما خشمناک شود و ضوگیرد تا آسوده شود، و طهارت باعث کشف بلا و محنت است چنانکه در قصهٔ ایوب او را بار زمین کوفت آب نمایان شد و همه بلا و محنت و درد و زحمت او با آن آب شست و شو و درمان شد!

... فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا . آیه . حکمت اینکه در نبودن آب، طهارت را به خاک گردانید، آنست که آدم از آب و خاک آفریده شده، تا آدمی پیوسته از آن آگاه بوده و شرف خویش را در آن داند و شکر این نعمت بجا آورد و آدم از این جهت بر ابلیس شرف یافت که او از خاک بود و این از آتش است که آتش عیب نما و خاک عیب پوش است که هر چه بر آتش نهی سره از ناسره پدید آرد و مغشوش را از خالص پیدا کند لکن هر چه به خاک دهی آنرا بپوشاند و عیب آن ننماید! دیگر آنکه آتش سبب قطع است و خاک باعث وصل، با آتش بریدن و کشتن است، با خاک پیوستن و داشتن، ابلیس از آتش بود لاجرم بگسست و آدم از خاک بود لاجرم پیوست، طبع آتش تکبر است و برتری، طبع خاک تواضع است و فروتری. گویند: علت و فلسفهٔ تخصیص آب و خاک اندر طهارت آنست که هر جا آتش افتد، زخم آنرا به آب و یا خاک بنشانند و مؤمن را دو آتش در پیش است یکی آتش شهوت در دنیا و دیگری آتش عقوبت در عقبی، خداوند آب و خاک را سبب طهارت وی گردانید تا امروز آتش شهوت بر او بنشانند و فردا آتش عقوبت!

از علی مرتضی (ع) روایت شده که گفت از رسول خدا شنیدم: هر بندهٔ مؤمن که گناهی کند پس از آن آبدست (وضو) گیرد و دو رکعت نماز بخواند، خداوند از گناه او درگذرد و او را عفو کند، و در قرآن است: هر کس کار بدی کند و یا بخود ستم روا دارد، پس از آن از خدا آمرزش خواهد خداوند او را می بخشد و می آمرزد.

❁ تفسیر لفظی ❁

- ۷- وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّتِي وَاتَّفَقْتُمْ بِهَا إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَلِيمٌ بِلذَاتِ الصُّدُورِ . بیاد بیاورید نعمتهای خداوند بر شما و پیمانیکه با شما بسته، هنگامی که گفتید: شنیدیم و فرمان برداریم، و خشم خدا را پرهیزید که خداوند به آنچه در دلها است دانا است .
- ۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا عَدَلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ . ای کسانی که ایمان آوردید، بیای ایستید بحق گفتن و گواهانی به داد باشید و دشمنی با قومی شما را وادار نکنید که داد نکنید، البته داد پیشه کنید که به تقوی و پرهیزکاری نزدیکتر است و بترسید از خشم خداوند که او از آنچه شما می کنید آگاه است .
- ۹- وَعندَ اللَّهِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ . خداوند به مؤمنان و نیکوکاران وعدهٔ آمرزش و پاداش بزرگ داده است .
- ۱۰- وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّجْمِ . کسانی که کافر شدند و آیات و سخنان ما را تکذیب کردند آنان اهل دوزخ و آتشیانند .
- ۱۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ كُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ إِن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ . ای کسانی که ایمان آوردند، بیاد آورید

نعمت خدا بر شما، هنگامی که گروهی قصد دست اندازی بسوی شما داشتند و خداوند دستهای آنان را از شما بازداشت و از خشم خدا بترسید و تقوی پیشه کنید و مؤمنان باید به خدا توکل کنند.

۱۲- وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَنَنكَرُوا بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ . خداوند از فرزندان یعقوب پیمان گرفت (و فرمود) از آنها ۱۲ نقیب برانگیختیم ، و من باشما هستم (و شما را یاری می کنم و نگاه می دارم) بشرطیکه نماز بگزارید و زکات دهید و به رسولان من ایمان آورید و آنانرا یاری دهید و خدای را وای نیکو دهید ، (در این صورت) بدیهای شما را ناپیدا کنم و شما را به پشتمانی وارد کنم که آنها از زیر درختان آن روان است ، پس هرکس از شما بعد ازین کافر شود از راه به در رفته و گمراه شده است .

۱۳- فِيمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَتَاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَلَسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ . پس به سبب شکستن پیمان ، بر آنها لعنت فرستادیم (مسخ کردیم) و دلهایشانرا سخت گردانیدیم ، که سخنان (راجع به بعثت محمد) را تحریف کردند و از معنی و جای خود برگردانیدند و بهره خویش را از آنچه بآنها پند داده بودند فراموش کردند و توای محمد پیوسته از خیانت آنها آگاهی مگر شمار اندکی از آنها ، پس آنانرا عفو کن و از ایشان درگذر که خداوند نیکوکاران را دوست دارد .

۱۴- وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نُنْصَرِيهِمْ فَتَسَوَّأ حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ . از آن گروه که گفتند: ما نصاری هستیم، ما از ایشان پیمان بستیم، لیکن بهره خویش از پندها که به ایشان داده شده بود بگذاشتند و فراموش کردند پس ما هم میان آنها دشمنی و خشمناکی تازورستانخیز برانگیختیم و بر آغالدیم و بزودی خداوند آنها را به کارهایی که امروز می کنند خبر خواهد داد^(۱).

تفسیر ادبی و عرفانی

۷- وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ . آیه خداوند در این آیت مؤمنانرا می نوازد و دو چیز به ایشان یاد میدهد، یکی نعمت که بر آنها ریخت ، دیگر پیمان که با ایشان بست ، نعمت دل گشادن است و چراغ آشنائی در دل افروختن و دل را خلعت معرفت پوشانیدن و این نعمت همان است که فرمود اگر شکر آن کنید بر آن افزایم . اما پیمان می گوید: یاد دارید پیمانی که پذیرفتید و امر و نهی که برداشتید ، باری که هفت آسمان و زمین داشتن بر نیارستند و پذیرفتن نتوانستند ، شما دلیری

(۱) خواننده بااطلاع و آگاه از اوضاع جهان از مراجعه به کتابهای تاریخ جهانی درسی یابد که ملت نصاری وامت مسیحی ، از پیدایش دین اسلام بعد پیوسته باهم در جنگ و جدال و خون ریزی و دشمنی بوده و هستند و این رقابت و ضدیت و دسته بندی و جنگهای همگانی که دامن غیر آنها را نیز می گیرد تا روز قیامت در میان آنان باقی است و برای بزرگی کلام خداوند و معجزه قرآن همین بس که از پنج قرن تا امروز پیوسته میان کشورهای مسیحی و امت عیسی جنگ و خون ریزی است و متأسفانه دامن گیر بی گناهان نیز شده است . (نگارنده)

کردید و برداشتید، آسمانها و زمین بر زمینند و از بیم ناتوانی و تقصیر بگریختند و به خداوند زبهار خواستند و شما خداوند را بر پذیرفتن آن اجابت و به قبول آن پاسخ گفتید.

۱۰۰... اذ قلتم سمعنا و اطعنا. آیه. گروهی گفتند پمانی که خداوند با آدمیان بست و آنان شنیدند و اطاعت کردند این بود که سود و زیان آنانرا بخرید و هبشت به آنان عوض داد و قرآن بر آنان حجت کرد تا خدمت کنند، و به روزگرم روزه دارند و به شب تاریک نماز گزارند، بجان و مال حج و جهاد کنند، بیماران را عیادت نمایند، درویش را پرسند و ماهای ایشان را خریدار، تا از سود فراوان اندکی بخشند و از مایه آن صدقه و زکات دهند و برهنه را بپوشند، گرسنه را سیر کنند، درمانده ای را دست گیرند. چون ایشان این پمان بجا آرند، تا در این جهان باشند آنانرا نکو دارم و هنگام مرگ یازی دهم و در قیامت روسفید گردانم و از فرع اکبر در امان دارم و عیبها را بپوشانم و از گناهان اندر گذرم و حجاب بردارم و دیدار باقی کرامت کنم.

۸- یا ایها الذین آمنوا کونوا قوا امین لله شهداء بالقیسط. آیه. بندگان من، از بهر من گواهی دهید تا من نیز از بهر شما گواهی دهم، گواهی دهید امروز که من آفریننده و پروردگار شما هستم، تا فردا گواهی دهم که شما بندگان و برگزیدگان من هستید، به وفا و عهد باز آئید تا به وفا و عهد با شما باز آیم.

۱۲- ولقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل. آیه. در اسرائیل نقیبان دوازده گانه بودند که در همه حال پیشروان و برگزیدگان قوم و مرجع آنان بودند و در اسلام چهل نفر بدیل و هفت نفر امین و سه نفر خلیفه و یک نفر قطب هستند که جانشینان امامند و قطب هر زمان عارف همه آنهاست و کسی را معرفت به او نیست و او پیشوای اولیاء و بهترین افراد خلق است (۱).

۱۳- قبیما نقضیم میثاقهم لعناهم. آیه. آنگاه از بندگان گله کرد که من وفای به عهد کردم و ایشان نقض آن کردند و به وفا باز نیامدند، همه را لعنت دادم، اندکی شاکر یافتم، همه را پند دادم، اندکی پند پذیر یافتم، همه را خواندم اندکی جواب گو یافتم.

آنان کسانی هستند که خداوند متان، در وادی عنایت، شمع رعایت ایشان افروخته و در دیزستان ازل، ایشانرا ادب صحبت آموخته. چون خداوند متان، بنده ای را سزاوار نیکی داند، او را بنظر خویش بیاراید تا حق را از باطل بشناسد بینا کند تا به نور او بیند، شنوا کند تا پند او نبوشد، راست دارد تا گمان و شک در او نیامیزد، به بوی وصال خوش کند تا در آن مهر دوست روید، و بنور خویش روشن کند تا از آن باوی نگردد، به صیقل عنایت بزداید تا در هر چه نگردد او را بیند.

آز آکه به لطف خویش حق بگزیند
بر باطن او سمر جفا ننشیند
نیک و بد اغیار ز دل برچیند
در هر چه نظر کند نظاره حق بیند

تفسیر لفظی

۱۰- یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یبیین لکم کثیرا مما کنتم تخفون من الکتاب و یعفوا عن کثیر قد جاءکم من الله نور و کتاب مبین. ای بجهودان و ای ترسایان، فرستاده ما به سوی شما آمد و بسیاری از چیزها (در تورات و انجیل) که پنهان داشتید برای شما روشن ساخت و آنچه در شما شک بود آسان کرد و فرا گذارد و از طرف خداوند روشنائی و کتاب پیدا و آشکار (قرآن) برای شما آمد.

(۱) شرح این کسان در تفسیر آیه ۹۰ سوره نساء گذشت.

۱۶- يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ الَّتِي التُّورِ بِأَذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . خداوند کسی را که بر پی خشنودی او رود، براه سلامت رهبری میکند و آنانرا از تاریکی ها به روشنائی می برد و به راه راست هدایت می نماید .

۱۷- لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . کسانی که مسیح را خدا دانستند هر اینه کافر شدند، ای محمد به آنها بگو (اگر مسیح خدا است) پس چه کسی پادشاه است و همه چیز بدست او است که اگر بخواهد مسیح و مادرش را و هر کس که در آسمان و زمین است همه را هلاک کند؟ در حالی که پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است ویره خداوند است که هر چه را بخواهد می آفریند، چون خداوند بهر چیزی توانا است .

۱۸- وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ . جهودان و ترسایان گفتند ما پسران و دوستان خدایم! بگو به آنها (ای محمد) پس چرا شما را عذاب میکند (به گناهایی که کرده اید)؟ نه پسرانید نه دوستان، بلکه شما هم از کسانی هستید که خداوند آفریده، و او است که می آرمزد هر کس را که بخواهد و کيفر و عذاب دهد هر کرا که بخواهد و خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و بازگشت هر کس بسوی او است .

۱۹- يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . ای اهل کتاب، فرستاده ما بسوی شما آمد تا در زمان بسستی و گسستی پیغمبران (فترت) بیان کند تا نگویید هیچ بشارت دهنده و بیم دهنده برای ما نیامد! آری هم بشیر و هم نذیر برای شما آمد و خداوند بهر کاری توانا است .

۲۰- وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَآتَاكُمْ مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ . وقتی موسی به قوم خود گفت: ای قوم، یاد بیاورید نعمت خدای را بر شما که در میان شما پیغمبران قرار داد و شما را پادشاهی بهره ساخت و به شما داد آنچه که به کس دیگری از مردم جهان نداده است .

۲۱- يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ . ای قوم، داخل زمین مقدس (ارض شام) شوید و از فرمان برداری برنگردید که بازگردید به روز بد و بجای سود زیان برید .

۲۲- قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنْ فِيهَا قَوْمٌ مِّمَّا جِبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَنذُرُكَ لَئِن تَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا لَنُؤْتِيهِم مَّا لَمْ يَأْتُوا بِهَا مِنَّا وَلَنُجِزِيَنَّهُمْ مِمَّا كَانُوا يَكْفُرُونَ . گفتند: ای موسی، در آنجا مردمی جبار و ستمگر هستند و تا آنها بیرون نروند ما درون نخواهیم شد و همینکه آنها خارج شدند ما داخل خواهیم شد .

۲۳- قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَخَافُ الْكَافِرِينَ قُلْ يَخَافُونَ أَيْدِيَكُمْ وَأَعْيُنَكُمْ وَمَا يُخِيفُكُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَرَأْسُ كِتَابِكُمُ الْبَيْتُ الْمَقْدِسُ الَّذِي جَعَلْنَا لِلْبَنِي إِسْرَائِيلَ آيَةً وَاللَّهُ يَخْتَارُ . قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَخَافُ الْكَافِرِينَ قُلْ يَخَافُونَ أَيْدِيَكُمْ وَأَعْيُنَكُمْ وَمَا يُخِيفُكُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَرَأْسُ كِتَابِكُمُ الْبَيْتُ الْمَقْدِسُ الَّذِي جَعَلْنَا لِلْبَنِي إِسْرَائِيلَ آيَةً وَاللَّهُ يَخْتَارُ .

با آنها ایگونی کرده بود، گفتند: ایلهما داخل (آن زمین مقدس) شوید که پرور خواهم بود و به خداوند تو کمال کنیید اگر ایمان دارید ا
 ۲۴- قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنُتَدَخِلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاتَّقِ اللَّهَ أَن تَكُونَ مِنَ الْفٰسِقِينَ

هائنا قاعدون. گفتند: ای موسی، مادام که آنها در آنجا هستند ماداخل نمی شویم ا تو با خدایت بروید و با آنها بجنگید
 که ما اکنون نشستگانیم ا

۲۵- قَال رَبِّ انِّي لَا اَمْلِكُكَ اِلَّا نَفْسِي وَاَخِي فَاَفْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفٰسِقِينَ .
 موسی گفت: خداوندا، من جز بر خودم و برادرم پادشاهی و حکومت ندارم پس میان ما و این قوم بدکار جدائی افکن.

۲۶- قَالَتْهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ اَرْبَعِينَ سَنَةً يَكْتِهُونَ فِي الْاَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفٰسِقِينَ . خداوند گفت: ای موسی، زمین مقدس را مدت چهل سال بر آنها حرام کردیم و باید در صحرائی تیره سرگردان
 باشند و بر این قوم نافرمان اندوه بخور.

تفسیر ادبی و عرفانی

۱۵- يَا اَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُوْلُنَا . آیه . این در وصف محمد مصطفی است و دلیل علم او
 بیانات او است و بخشودن نافرمانی ها دلیل حلم او است ، آنچه از اسرار ایشان نمودار ساخت دلیل بر کمال نبوت و صحت
 رسالت او است و آنچه عفو کرد از نفاقها که در دل داشتند و بظاهر خلاف آن می نمودند و پیغمبر از آن آگاه بود و پرده
 از روی کار برداشت ، دلیل بر حلم عظیم و خلق کریم او است .

... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللّٰهِ نُورٌ وَكِتٰبٌ مُّبِيْنٌ . آیه . اشارت است ، به اینکه تا نور توحید الاهی در دل بنده
 نتابد ، به جمال شریعت مصطفی بینا نگردد ، چه آنکه نور هم به نور توان دید و روشنائی بروشنائی توان یافت ، دیده ای که
 ناخوشی کفر دارد نور ایمان از جا بیند و چشم نابینا از روشنائی آب چه بهره دارد .
 پیر طریقت گفت : قوی را نور امید در دل می تابد و قوی را نور عیان در جان ، آنان در میان نعمت گردان ، از این

جوان مردان عبارت نتوان ا

۱۶- يَهْدِيْ بِهٖ اللّٰهُ مَنۢ اَتَّبَعَ رِضْوَانَهٗ . آیه . نور کتاب و سنت امروز کنسی بیند که در ازل توتیای توحید
 در دیده دل وی کشیدند و به حیلت رضا صفات او بیاراستند ، تا امروز آن رضوان ازلی او را به محل رضای ابدی رساند
 و حکمش را بپسندد و گفته اش را بپذیرد ، و از راه چون و چرا بر خیزد و گوید: من بنده ام و سرای بندگی بخویشتن بیفکنند
 است و گردن نهادن و تن فرا دادن .

۱۸- وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصٰرٰى نَحْنُ اَبْنَاءُ اللّٰهِ وَاَحِبُّاۗءُهٗ . آیه . آن بی حرمتان چه دور افتادند
 که خدای را پسر گفتند ، کسی که عدد او را نه سزا باشد و له او را کی روا باشد ؟ فرزند اقتضای جنسیت کند و حق تعالی
 از بجانست پاک و از مماثلت منزّه است و خداوند سخن آنان را رد کرد و فرمود: شما پسران نه اید که آفرید گانید، دوستان نه اید
 که بیگانگانید ، اگر شما دوستانید پس چرا به گناهانان بگیرد و عذاب کند ؟

۱۹- يَا اَهْلَ الْكِتٰبِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُوْلُنَا يَبِيْنٌ لَّكُمْ . آیه . این بار منتهی دیگر بر مؤمنان می نهد
 و نعمتی بزرگ بپسار آنان می دهد ، که پس از روزگار فقرت و پس از آنکه اسلام روی در حجاب بی نیازی کشیده بود
 و ظلمت کفر و غبار بدعت جهان را گرفته و باطل به نهایت رسیده بود ، رسولی فرستادم بشما که دلهای مرده بدو زنده گشت ،

وراههای تاریک به وی روشن شد، اورحمت جهانیان است و چراغ زمین و آسمان، پسر پیمان و دل دهنده بیوه زنان، ونوازنده درویشان و پناه گناه کاران.

۲۰- یا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ. آیه. فرق است میان امتی که بواسطه موسی از ایشان می خواهد که بیاد نعمت خدا باشید با امت محمد که بی واسطه فرمود: مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم، آنان اهل نعمتند و اینان اهل محبت، آنان اسیران بهشتند و اینان امیران بهشت، آنان اصحاب جودند و اینان ارباب جود!

... وَجَمَعَكُمْ مَلُوكًا. آیه. این بیان خطاب مؤمنان امت است بروجه عموم و هم باخاصان امت بروجه خصوص، مؤمنان را گوید: شما قانع گردانیدیم که قناعت بزرگترین پادشاهی است، و خاصان را گوید: شما را از بندگی جهان ناپایدار آزاد ساختیم، اگر قناعت ملک بی نیازی است از آن روست که پادشاه را به کس نیاز نباشد و تا پادشاه بر جای بود ملوک او بر پای و نظام عالم بر جای بود، چون پادشاه نماند رعیت ضایع گردد و نظام ملک گسسته شود. هم چنین تا اولیاء حق بر جایند و برکت و دعا و همت ایشان بر جای بود، خالق خدای در آسایشند و چون دعا و برکت و همت آنان بریده گردد، از آسمان عذاب آید و خلق تباہ شوند، و آزادی از رقیبت خاصان و نزدیکان است که عالی همت باشند و هر پستی سر فرود نیارند و به دو جهان ننگردند و جز نزدیکی حق و تقرب به مولی نخواهند.

با یزید گفت: چهل سال است تا من با خلق سخن نگفتم، هر چه گفته ام با حق گفته ام و هر چه شنیده ام از

حق شنیده ام.

۲۱- یا قَوْمِ ادْخُلُوا الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ. آیه. چه قدر تفاوت است میان امتها، بنی اسرائیل را گفتند در این زمین پاک روید که بر شما نوشتیم، ایشان راه را با سختی و صعوبت دیدند، بترسیدند و سر و آزدند، و امت محمد را گفتند: ما در کتاب ازل نوشتیم که شما در زمین نشینید و جهاندار باشید، پس چون به وجود آمدند راه زمین برایشان گشادند و هموار ساختند و گفتیم زمین مسخر شما است، هر جا خواهد روید، و هر چه خواهد خورد، که بر شما تنگی نیست.

لکن چون بنی اسرائیل از فرمان موسی سر باز زدند، رو به درگاه حق کرد گفت: خدایا من جز خودم و برادرم چیزی و توانی ندارم، ما را از این گروه نابکار و نافرمان برادر جدا ساز و ولی محمد مصطفی در شب معراج با آن همه راز و ناز، امت خود را فراموش نکرد و ایشانرا از آن نوازشها بهره داد و گفت: سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا! و در آخر عهد که از این سرای نقل کرد همه سخن وی با جبرئیل غم امت و هم او در کار امت بود! و فردای قیامت که همه پیغمبران در خود فرو مانند و گویند: خودم خودم - محمد مصطفی گوید: امت من، امت من!

❦ تفسیر لفظی ❦

۲۷- وَاَنْتَلُّ عَلَيْهِمْ نَبِيًّا ابْنِي آدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ اَحَدِهِمَا وَلَمْ يَتَقَبَّلْ مِنْ الْاٰخَرِ قَالَا لَوْ فَتَلْنَاكَ لَآ فَتَلْنَاكَ قَالَا لَنَمَّا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ. (ای محمد) برایشان خبر دو پسر آدم را برستی برخوان، هنگامیکه هر دو در راه خدا قربانی کردند و از یکی از آنها قبول و از دیگری قبول نشد و دیگری که قربانیش قبول نشده بود به او گفت: لایق تو را می کشم! او گفت: خداوند قربانی را از برهیز کاران می پذیرد.

۲۸- لَنْ بَسَطْتُ اِلَيْكَ لِيَتَقَبَّلَنِي مَا اَتَا بِسَطِ يَدِي اِلَيْكَ لَآ فَتَلْنَاكَ اِنِّي اَخَافُ اللهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. اگر دراز دستی کنی که مرا بکشی نه بسوی تو دست دراز کنم تا تو را کشم من از خدای جهانیان ترس دارم.

۲۹- اِنِّي اُرِيدُ اَنْ تَسُوْا بِاِيْمِي وَاِنَّمِكُمْ فَتَكُوْنُ مِنْ اَصْحَابِ النَّارِ وَذٰلِكَ جَزَاؤُ الظّٰلِمِيْنَ
(برادرستم دیده گفت) من می خواهم که تو گناه من و گناه خودت را هر دو برداری و از مردم دوزخ باشی که این است جزای
ستمکاران .

۳۰- فَطَوَّعَتْ لَهٗ نَفْسُهٗ قَتْلَ اَخِيْهِ فَمَتَّلَهٗ فَاَصْبَحَ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ . پس نفس شیطانی و امّاره او
او را وادار بکشتن برادر کرد و او را کشت و از آن کار از زیان کاران شد !

۳۱- فَبِعَثَ اللّٰهُ غُرَابًا يَّبْحَثُ فِي الْاَرْضِ لِیُرِيَهٗ كَيْفَ یُوَارِي سُوْءَ اَخِيْهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى
اَعَجَزْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِثْلَ هٰذَا الْغُرَابِ فَاُوَارِي سُوْءَ اَخِيْ فَاَصْبَحَ مِنَ النَّٰدِمِيْنَ . خداوند کلاغی را
بینگیخت تا در زمین خالک را برمی انگیخت تا به او بنمایاند که چگونه مرده برادر را پنهان کند ! (کشنده برادر) گفت :
وای بر من کاش من مثل این کلاغ بودی (و میدانستم آنچه او می دانست) و بدن برادر خود را پنهان می کردم ! پس از آن
از حسرت (نه از توبت) پشیمان گشت !

۳۲- مِنْ اَجْلِ ذٰلِكَ كَتَبْنَا عَلٰی بَنِيْ اِسْرٰئِیْلَ اَنْهٗ مِنْ قَتْلِ نَفْسًا یَغۡیِرُ نَفْسٍ اَوْ فِسَادٍ
فِی الْاَرْضِ فَاَکَا نَمَّا قَتَلَ النَّاسَ جَمِیْعًا وَمَنْ اَحۡیٰهَا فَاَکَا نَمَّا اَحۡیٰ النَّاسَ جَمِیْعًا وَلَقَدْ جَاءتَهُمْ
رُسُلُنَا بِالْبَیِّنٰتِ ثُمَّ اِنۡ كَثِیْرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذٰلِكَ فِی الْاَرْضِ لَمُسْرِفُوْنَ . از جهت این دلیری برادر
و برادر کشی ، بر فرزندان اسرائیل واجب کردیم که هر کس کسی را بکشد بی قصاص تنی یا بی آنکه تبه کاری و فساد کرده باشد ،
همچنان باشد که همه مردمان را کشته و هر کس نفسی را زنده کند چنان است که همه مردمان را زنده کرده است . و فرستادگان ما
برای بنی اسرائیل بیینه ها و نشانه ها آوردند ! پس از آن ، شمار بسیاری از آنان در زمین به گزاف و بی هوده کاری و اسراف میروند .
۳۳- اِنَّمَا جَزَاؤُ الَّذِیْنَ یُحَارِبُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَیَسْعَوْنَ فِی الْاَرْضِ فِسَادًا اَنْ یُقَتَّلُوْا
اَوْ یُصَلَّبُوْا اَوْ تُقَطَّعَ اَیْدِیْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ اَوْ یُنْفَوْا مِنْ الْاَرْضِ ذٰلِكَ لَهُمْ خِزۡیٌ فِی
الدُّنۡیَا وَلَهُمْ فِی الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِیْمٌ . همانا جزای کسانی که با خدا و رسول جنگ می کنند و در زمین به فساد
و نالایی سعی و کوشش دارند ، این است که آنانرا بکشند یا دارزنند یا دست ها و پاهایشان را از بند کاری ببرند و یا آنکه
آنانرا تنی بکند (تبعید) این است رسوائی آنان در دنیا و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت .

۳۴- اِلَّا الَّذِیْنَ تَابُوْا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَقْدِرُوْا عَلَیْهِمْ فَاَعْلَمُوْا اَنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ . جز کسانی که
پیش از آنکه به آنها دست زسی پیدا کنید توبه کنند و پشیمان شوند ، پس بدانید که خداوند آمرزنده و مهربان است .

تفسیر ادبی و عرفانی

قصه هاییل و قابیل

۲۷- وَاَنْتَلُّ عَلَیْهِمْ نَبَا اَبْنٰی اٰدَمَ . آیه . قصه دو برادر است از یک پدر ، یکی صاحب دولت بر بساط
ولایت ، و آن یکی از بی دولتی در مغالک و وحشت ، چه توان کرد ؟ کار نه به آنست که یکی تنبل و کسل و دیگری فعال و بانشاط ،
کار به آنست که تا خود در ازل چه رفته باشد ، مثال آن دو برادر مثال دوشاخ درخت میوه است که یکی میوه شیرین دهد
و دیگری میوه تلخ ، تلخ هم از همان خورده که شیرین خورده ، تلخ را جرمی نبوده که تلخ آمده و شیرین را هنری نبوده که
شیرین آمده ، آن به ارادت آمد و این به مشیت ، نه آنرا بظاهر علت است و نه این را وسیلت !

پیر طریقت گفت: خدا یا، آن را که نخواستی چون آید؟ و آن را که نخواستی کی آید؟ ناخوانده را بجواب چیست؟ و ناکشیده را از آب چیست؟ تلخ را چه سود اگرش آب شیرین در جوار است، و خار را چه حاصل از اینکه بوی گلشن در کنار است، آری نسب و تقوی است و خویشی خویشی دین، سلمان هیچ خویشی نداشت از شمار اهل بیت شد، بولهب عمومی پیغمبر بود بیگانه گشت!

۲۸- لَسِّنْ بَسَطْتَ اِلَىٰ يَدِكَ . آیه . هابیل قابیل را گفت: اگر تو مرا بکشی من تو را نکشم که تو را حسد دادند و مرا تقوی، و تقوی نگذارد که من تو را کشم اولی حسد تو را بر آن دارد که مرا بکشی، تو مقهوری از روی قدرت و عزت و من مجبورم از روی لطافت و رحمت!

گویند: گناه آدم از حرص بود و گناه قابیل از حسد و گناه ابلیس از کبر، حرص حرمان آورد و حسد خدلان، و کبر اهانت و لعنت، حرمان درماندن از بهشت است و خدلان بازماندن از دین، و اهانت راندن از حضور است، و آدم هر چند از بهشت بازماند و بظاهر عقوبتی می نمود، اما از روی حقیقت سبب کمال معرفت و تمامی کار او بود که از حضرت عزت خطاب آمد که ای آدم: ما می خواهیم از تو مردی بسازیم، تو چون عروسان به رنگ و بوی قناعت کردی، مردان بدین صفت نباشند و دل بنواز و نعمت نه بندند، کار مردان دیگر بود و کار بنواز پروران دیگر!

چون زنان تا کی نشینی بر امید رنگ و بوی
 ۳۲- مَن قَتَلَ نَفْسًا . آیه . هم چنان است که مصطفی گفت: هر کس کار نیک کند تا روز رستاخیز پاداش نیک دارد و هر کس کار بد کند تا ابد سزای بد دارد.

... مَن اَحْيَاهَا فَكَمَا نَمَّا . آیه . اشارت است باینکه هر کس بنده ای را از تاریکی نادانی به روشنائی دانش رهبری کند و به نور ایمان از تیرگی بدعت رهائی دهد هم چنان است که او را زنده گردانیده و چون او را زنده گردانید چنان است که همه مردمان را زنده گردانیده و حقیقت زندگی هم ایمان و علم است زیرا که زندگی زندگی دل است و دل به روح علم و ایمان زنده است.

۳۳- اِنَّمَا جَزَاؤُا الَّذِي يَنْحَرِبُونَ اَللَّهِ . آیه . محاربان خدا و رسول کسانیند که پیوسته با تقلید در جنگند و هنگام نخت اندر شکایت، و گناه نعمت اندر غفلت، به تن زنده، به دل مرده، به روز بیکار و به شب بیچار، و به همت همه زیبایی را خریدار، و عمر بر باد و به زیان خود شاد!

طیلسان موسی و نعلین هارون چکار؟

چون به زیر یک ردا فرعون داری صد هزار؟

پیر طریقت جوان مردی گمراه را بند داد و گفت: ای بیچاره تا کی میروی با ردا مخالفت بردوش، دیر است تا اجل تو را می خواند، یک بار با او نیوش، ای عاشقی بر شقاوت خویش، و بر خود بفرورخته مایه خویش! پیش از رسیدن عزرائیل یک روز بیدار شو و پیش از هول مرگ یک لحظه هشیار گرد!

پیش از آن کین جان عذر آور فرود ماند ز نطق

پیش از آن کین چشم عبرت بین فرود ماند ز کار!

تفسیر لفظی

۳۵- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ. ای کسانی که ایمان آورده اید، از خشم خداوند پرهیزید و به او نزدیک شوید و در راه او جهاد کنید شاید شما رستگار شوید.

۳۶- اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوا لَوَ اَنْ لَهُمْ مَّا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوْا بِهٖ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ وَّلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ. کسانی که کافر شدند اگر هر چه در زمین است و هم چند آن دارا باشند و بخواهند خود را با آن باز خرید کنند و فدیة دهند، از آنان پذیرفته نمیشود و ایشان راست عذابی دردناک.

۳۷- يُرِيْدُوْنَ اَنْ يَخْرُجُوْا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِيْنَ مِنْهَا وَّلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ. می خواهند که از آتش خارج شوند در حالیکه بیرون شدنی نیستند و آنان راست عذابی پاینده.

۳۸- وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوْا اَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ. دزد مرد یا زن دستش را ببرید که پاداش دزدی است که کرده اند و کیفری است از خداوند (که دیگران را از دزدی باز دارد) و خداوند توانا و راست دانا است.

۳۹- فَمَنْ تَابَ مِنْۢ بَعْدِ ظُلْمِهٖ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوْبُ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ. پس هر کس که بعد از آن ستمی که کرده (دزدی) توبه کند و کار خود را راست کند، خداوند آمرزنده و مهربان است.

۴۰- اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاَللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. آیا نمی دانی که پادشاهی آسمانها و زمین از آن خداوند است هر که را خواهد عذاب کند (از گناه کاران) و هر که را خواهد بیامرزد و خداوند بر هر چیزی و هر کاری توانا است.

۴۱- يَا اَيُّهَا الرَّسُوْلُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِيْنَ يُسَارِعُوْنَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِيْنَ قَالُوْا آمَنَّا بِمَا فَوَّاهِيْمُ وَّلَمْ تُوْمِنْ قُلُوْبُهُمْ. ای پیغمبر اندوه گین نکند تو را کسانی از منافقان که به کفر و بی ایمانی می شتابند و به زبان گویند: ایمان آوردیم الکن به دلهاشان ایمان نیاورده اند. و من الذین هادوا و سماعون لیکذب سماعون ليقوم آخرین لم یاتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه بقولون ان اوتیتهم هذا فخذوه و ان لم تؤتوه فاحذروا. از جمله آنان که جهود شدند، آنان دروغ شنوایند و دروغ پذیران، و سخن پردازان و جاسوسان و سخن جویان برای گروه دیگر، که نزد تو نمی آیند و اینان سخن را از جای خود بگردانند و به مردم گویند: نزد محمد رویم و از او حد زنا خواهیم نه سنگسار کردن، اگر حکم حد زنا داد (روسیاه کردن بوده) از او بپذیرید و اگر حکم رجم (سنگسار کردن) داد از او نپذیرید، در صورتیکه در کتاب آنها حکم زنا رجم است نه روسیاهی و آنها منکر بودند) و روسیاهی از آثار جاهلیت است و من یرد الله فیتنته فلن تمسک له من الله شیئا الا لیکت الذین لم یرد الله ان یطهر قلوبهم لهم فی الدنیا خیزی و لهم فی الآخرة عذاب عظیم. هر کس را که خداوند فتنه دل وی خواهد پس بدست تو (و خواست تو) از خدا برای او چیزی نیست و ایشانند که خداوند نخواسته است که دلهاشان پاک کند، بلکه آنان راست در دنیا رسوائی و فرومایگی و در آخرت عذابی بزرگ.

۴۲- سَمَاعُونَ لیکذب اکثالون لیسحت فاحکم بینهم او اعرض عنهم و ان تعرض عنهم فلن یضرک شیئا و ان حکمت فاحکم بینهم بالنفس ان الله یحب المقسطین. آنان از یکدگر دروغ شنوایند و دروغ پذیران و رشوه خوارانند، پس اگر برای حکم کردن نزد تو آمدند میان آنها حکم کن یا از آنان دوری نما و روی گردان شو و اگر اعراض کردی بتو زیانی نخواهد رسانید و اگر میان آنها حکم

کسی به راستی و داد حکم کن که خداوند داد دهان و راست کاران را دوست دارد .
 ۴۳- وَ كَيْفَ يُحْكِمُ الْمُؤْمِنُوكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ
 وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ . تورا چگونه حاکم پسندند در صورتیکه تورات نزد آنها است و در آن حکم خدا به راستی
 ذکر شده، و آنان از کار کردن به آن سر بازی زند و گردن نمی دهند؟ و ایشان هرگز مؤمن نیستند نه به آن و نه به این !

تفسیر ادبی و عرفانی

۳۵- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا . آیه . ای شما که مؤمنانید و رسالت را شنیدید و گردن نهادید بترسید از خشم
 و عذاب خداوند و وسیله نزدیکی به او را تهیه کنید که نزدیکی سبب پیوستگی و رستگاری است و بهترین وسیلت بخداوند بزرگ
 داشتن امر او و شکوه داشتن نهی او و شفقت بر مردم و خدمت حق و کوشیدن در ابواب نوافل و عمارت کردن بجان و دل ،
 و آن به سه چیز توان یافت : یکی نظر خدائی بیاد داشتن ، دوم روزگار خود را در ضایعی دریغ داشتن ، سوم درویشی خویش
 در موقف عرض و نمایش بشناختن ، که چون نظر خداوند بیاد داری از متقیان ، و چون روزگار خود ضایع نگردانی از
 عابدانی ، و چون درویشی خویش بشناسی از خاشعانی . و عمارت دل به سه چیز توان کرد : اول به شنیدن علم ، دوم به
 کم آمیختن با مردم ، سوم به کوتاهی آرزوها ، که چون در سماع علمی در حلقه فرشتگانی ، و تا از مردم برکناری در شمار
 معصومانی ، و تا با کوتاهی املی از صدیقانی .

... وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ . آیه . می گوید : شما که عابدانید ، به فضائل ، و شما که عالمانید به دلائل ، و شما
 که عارفانید به ترك وسائل ، بخداوند نزدیکی جوئید . وسیله عابدان توبه و عبادت است ، وسیله عالمان نظر و تأمل و تدبیر در
 آفرینش آسمانها و زمین است ، ترك وسیله از همه گسستن و به او پیوستن است . نیز بدانید که وسیله عابدان راستی و معاملات
 است وسیله عالمان دوستی و مکاشفت است ، وسیله عارفان نیستی و معاینت است ، وسیلت عابدان یادی است به نیاز ،
 وسیلت عالمان یادی است بنياز ، وسیلت عارفان یادی است نه به نیاز و نه به ناز بلکه قصه دراز !

پیر طریقت گفت : خدایا ، اگر کسی تورا به جستن یافت ، من تورا به گزینختن یافتم ، اگر کسی تورا به ذکر کردن
 یافت ، من تورا به خود فراموش کردن یافتم ، اگر کسی تورا به طلب یافت ، من خود طلب از تو یافتم ، خدایا ، وسیلت
 به تو هم توفی ، اول تو بودی ، و آخر هم توفی و بس و باقی هوس !

خدایا ، آن روزگجا باز یابم که تو مرا بودی و من نبودم ، تا باز به آن روز رسم میان آتش و دودم ، اگر به دو گیتی
 آن روز یابم من بر سودم ، و اگر بود تو خود را دریابم ، به نبود خود خوشنودم .

... وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ . آیه . این خطاب با غازیان است و آنجا که گفت : جَاهِدُوا فِي اللَّهِ ، خطاب
 با عارفان است ، جهاد عارفان با تیغ است و با دشمن دین ، جهاد عارفان به قهر نفس است با خویشتن ، پاداش غازیان
 فردا حور و قصور است ، پاداش عارفان در بحر عین غرقه نور ، جهاد غازیان چون از سر عبادت رود و بوقت مشاهدت
 نظاره ابد کنند ، لاجرم امید رستگاری است و جهاد عارفان چون از سر معرفت رود و به وقت مشاهدت نظاره ازل کنند
 لاجرم بر گزیده حق گردند .

۳۷- يُرِيدُونَ أَن يُبْخَرُوا مِنَ النَّارِ . آیه . آتشیان در قیامت دو گروهند : گروهی که هرگز از آتش
 بیرون نیابند و آتش برای آنان تعذیب است نه تطهیر ، گروهی دیگر ورودشان در آتش برای تطهیر است نه تعذیب ،

و حال این گروه متفاوت است برخی زودتر از آتش بیرون آیند و گروهی دیرتر بسته به اندازه کبردار و رفتار آنها است، و آخرین کسی که بیرون آید آن کس است که پیوسته یا حنّان یا منّان گوید، معنی حنّان آنست که خدایا، تورا نسبت به من و بندگان رحم و مهربانی و عطفت بسیار است و معنی منّان آنست که خداوند ا، تورا بر من و دیگر بندگان منت فراوان و مهربانی تمام است، شگفتنا امری که چند هزار سال در آتش بوده از نعمت وصال به جان او چه می پیوسته که این ذکر می خواند ا راز این امر را به مثالی توان آشکار ساخت، نان پزی تنوری آماده کرده تا خمیر خام به آن تنور گرم زند، نظر او به داغی و سوزندگی تنور نیست بلکه پیوسته نگران این است که نان نسوزد، چه که همان گونه که نان خام شایسته خوردن نیست نان سوخته هم برخوان پادشاهان نهند.

پس جمله امّت که اهل سعادت باشند در سرای سعادت حلقه بندند و پیغمبران همه آرزوی دیدار کنند و فرشتگان همه در نظاره و انتظاری گویند: کریم، مهربان و عده دیدار کی است؟

صد هزاران بانثار جان و دل در انتظار و آن جمال اندر حجاب و وعده دیدار نیست!

خداوند به آنان گوید: از امت محمد یک نفر در آتش مانده تا وی نیاید دیدار میسر نشود، پس خطاب به جبرئیل آید که برو از میان آتشیان، آن بنده مرا به حضور آرا جبرئیل نزد مالک دوزخ رفته آن بنده را با نام و نشان بخواهد، چون حاضر شود پرسد که آیا دیدار حاصل شده؟ جبرئیل گوید: تا توییابی دیدار میسر نمیشود، او می گوید: رو سلامت اما در این گوشه اندوه با نام او خوشیم او پیوسته گوید: یا حنّان یا منّان و هر بار که ذکر گوید آتش هزاران فرسنگ از او بگریزد.

تفسیر لفظی

۴۴- اِنَّا اَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُوْرٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِيْنَ اَسْلَمُوْا لِلَّذِيْنَ هَادُوْا وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ اَلْاَحْبَابُ بِمَا اسْتَحْفِظُوْا مِنْ كِتَابِ اللّٰهِ وَ كَلِمَاتٍ عَلَيْهِ شُهَدَاءُ. ما تورات را فرو فرستادیم که در آن رهنمونی و روشنائی است تا پیغمبران ایشان به کسانی که از راه برگشتند حکم کنند و (هم چنین) ربانیان و دانشمندان ایشان که تورات را آموختند و حفظ آنرا از آنان خواستند و خود بر آنها گواه بودند. فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اَخْشَوْنِ وَ لَا تَشْتَرُوْا بِآيَاتِنِىْ ثَمَنًا قَلِيْلًا وَ مَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ. پس شما که امت محمد هستید از آنها ترسید و از من بترسید و (مانند ایشان) نشانی های خدا را به بهای اندک بخريد و کسانی که بآنچه خدا فرستاده حکم نکنند کافر بشمار میروند.

۴۵- وَ كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيْهَا اَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ اَلْاَنْفَ بِاَلْاَنْفِ وَ اَلْاُذُنَ بِاَلْاُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوْحَ قِصَاصًا فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهٖ فَهٗوَ كَفَّارَةٌ لَّهٗ وَ مَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ. و در تورات (برای پیودان) نوشتیم که قصاص تن برابر تن و چشم به چشم و بینی به بینی و گوش به گوش و دندان به دندان و همه خیمها را قصاص همچنان است، پس هر کس به بخشد و عفو کند، این کار سزنده گناهان او است و هر کس بآنچه خدای فرستاده حکم نکند از ستم کاران است.

۴۶- وَ قَفَّيْنَا عَلٰى اٰلِهٖمۡ بَعِيسٰى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ اٰتَيْنَاهُ الْاِنْجِيْلَ فِيْهِ هُدًى وَ نُوْرٌ وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِيْنَ.

و فراداشتم بر پی‌های ایشان به پدید آوردن عیسی بن مریم گواهی دهنده و استوار کننده آنچه از تورات میان آنها بود و اورا انجیل دادیم که در آن رهنمونی و روشنائی است و گواهی کننده و استوار کننده آنچه در تورات است از رهنمونی و پند برای پرهیزکاران .

۴۷- وَلَيَحْكُمُ أَهْلُ الْأَنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ . و باید اهل انجیل به آنچه خدا فرستاده حکم کنند و کسی که به آنچه خدای فرستاده حکم نکند از فاسقان است .

۴۸- وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ . و فرود فرستادیم قرآن را بر تو براسستی ، گواهی کننده و استوار دارنده آنچه از انجیل نزد آنهاست و گوشوان (حافظ) و استوار دار آن است ، پس میان آنان به آنچه خداوند فرستاده حکم کن و از هوی و هوس آنان پیروی مکن که تورا از آنچه براسستی به تو آمده است برگردانند . لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَيْتُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ . برای هر یک از شما شریعتی و راهی ساخته و دادیم و اگر خدا خواستی همه شما را یک گروه کردی لکن برای آن است که شما در آنچه بشما داده است بیازماید ، پس بسوی نیکی شتابید که بازگشت همه بسوی خدا است و بشما خبر می دهد به آنچه با هم اختلاف داشتید .

۴۹- وَأَنْ أَحْكَمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْتَدِرْهُمْ أَنْ يُفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ . و نیز (فرمان فرستادیم) که میان آنها به آنچه فرستادیم حکم کن و هوی و بایست ایشان را پیروی نکن ، و از آنان پرهیز که تورا تباه نکنند ، و برگردانند از آنچه خدا به تو فرستاده ، پس اگر از دین برگشتند بدان که خداوند می خواهد آنان را به گناهانشان بگیرد و بسیاری از مردم از فرمان خدای سر می پیچند .

۵۰- أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْتَغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ . آیا آنان حکم اهل جاهلیت جویند ؟ در حالیکه از خدا نیکوتر داور کیست ؟ برای گروهی که بی گمان و شک بر ایمانند .

❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

۴۴- إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ . آیه . در این آیت هم مدح بسزا است و هم تشریف تمام و هم تعظیم نیکو ، مدح آن جلال الوهیت است و تعظیم آن کمال احدیت و تشریف بندگان در راه خدمت ، مدح باذات می گردد و تعظیم با صفات و تشریف با افعال ، بجلال خود را خود ستود و تعظیم صفات خود را خود نمود ، و دانست به علم قدیم که نهاد بشریت و عجز عبودیت هرگز مبادی جلال الوهیت در نیابد و بشناخت کمال احدیت نرسد . و عزت قرآن به این عجز گواهی می دهد که می گوید : مردم قدر او را چنانکه باید نشناختند چنانکه :

پیر طریقت گفت : خدایا ، نه شناخت تورا توان ، نه ثنای تورا زبان ، نه دریای جلال و کبریای تورا کران ،

پس تورا مدح و ثنا چون توان ؟

آری ، در تورات رهنمونی هست اما برای راه بردن ، و روشنائی هست اما برای بینندگان ، بارخواهان را بار است ، و راه خواهان را راه است ، خوانندگان تورات بسیار بودند اما روشنائی آن بردن اندکی از آنها تافت ، و آنان کسانی بودند که خدمت برمنت و معرفت برمشاهدت و ثنای در حقیقت داشتند و بر سر آنها سایه غنابت از لیت بود و دیگران را که این نبود جز گمراهیشان نیز بود .

... وَالرَّبَّانِيُونَ وَالْأَحْبَابُ . آیه . تورات به اینها سپردند اما حق آنرا ضایع کردند و در آن تحریف و تبدیل آوردند ، لیکن امت محمد را که به قرآن تخصیص دادند و خداوند ایشانرا بدان گرامی داشت به جلال و عزت خود و تشریف و تحفیف امت ، حفظ قرآن را در خود گرفت و فرمود : ما قرآن آوردیم و خود ما آنرا حفظ خواهیم کرد . این است که قرآن چندین صد سال است که میان مردم است با آن همه دشمنان دین که در عصری بوده هستند ، هرگز کسی زهره آن نداشته و ندارند که راهی برای تحریف آن پیدا کنند یا به وجهی تغییر و تبدیلی در آن راه یابد . چنانکه موسی هنگام رفتن به کوه طورهارون برادر خودرا نگهبان جهودان قرارداد و چون از مناجات برگشت قوم او گوساله پرست شده بودند ، اما مسلمانان صدر اسلام که از محمد برای پس از مرگ او نگهبان خواستند ، فرمود : نگهبان بر شما خداوند است که او مهربان و یکتا است .

۴۸- لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا . آیه . شرعت شریعت است و منهاج حقیقت ؟ شرعت آئین شریعت است و منهاج راه بسوی حق ، شرعت آنست که مصطفی آورد و منهاج چراغی است که حق فراد دل داشت ، شرعت در پی شریعت رفتن است و منهاج به نور آن راه بردن است ، شرعت آن پیغام است که از رسول خدا شنیدی ، منهاج آن نور است که در سربافتی ، شریعت هر کس راست و حقیقت کس کس راست است پس بسوی خیرات بشنابید چنانکه زاهدان با ترك دنیا و عابدان با ترك هوی و عارفان با نور آرزوها بسوی نیکی ها شتابند .

تفسیر ادب و تحریفانی

۵۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ . ای گروندگان ، جهودان و ترسایان را دوست نگیرید که ایشان دوستان یکدگرند و هر کس از شما با آنها یکد دل شود و هم دل دارد و آنها را بدوستی بگیرد ، از جمله آنها خواهد بود و خداوند گروه ستم کاران را هدایت نمی کند .

۵۲- فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ . پس می بینی منافقان که در دل بیماری (یقین) دارند در صحبت جهودان شتاب می کنند و می گویند : می ترسیم که فردا بما مصیبتی و مکرر می برسد ، پس امید است که خداوند (برای پیغمبر خود) پیروزی و گشایشی فرستد یا از پیش خود فرمانی فرستد تا منافقان بر آنچه در دل پنهان دارند پشیمان گردند .

۵۳- وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهْلُوا لِلَّذِينَ اتَّخَذُوا آلِيَاءَ اللَّهِ جَاهِدُوا لِيَوْمِ يُبْعَثُونَ إِنَّمَا اتَّخَذُوا آلِيَاءَ اللَّهِ لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ يَبْصُرُ مَا تَعْمَلُونَ . مؤمنان گفتند : آیا آنان کسانی هستند که سوگند یاد کردند (وخواستند و توانستند و دانستند) که در همه مصیبتها با شما هستند؟ همانا کردار آنها همه تباه و برهنگردد و از آن زیان دیدند و خود از زیان کاران به شمار آمدند .

۵۴- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ . ای مؤمنان هر کس از شما از دین خود برگردد ، خداوند قومی دیگر آورد که آنانرا دوست دارد و آنها هم خدا را دوست دارند و در برابر مؤمنان نرم جانبد و خوش باشند و در برابر کافران سخت و زور آور و ناخشنده باشند. يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ . آنان در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش کسی نمی ترسند ، این است فضل و کرم خداوند بر آنان که به هر کس بخواهد می دهد و او است فراخ توانا و دانا .

۵۵- إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ . همانا یار و همدم و کارساز شما خدا و رسول اوست و کسانی که ایمان آوردند و نمازی گزارند و زکات می دهند و آنان رکوع کنند گانند .

۵۶- وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ . و هر کس دوستی خدا و رسول و مؤمنان گزیند ، آنان سپاه خداوند و سپاه حزب خداوند همه جا پیروزند .

تفسیر ادبی و عرفانی

۵۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آيَةً . خداوند به ندای کرامت بندگان را می خواند و از روی لطافت ایشانرا می نوازد و از رأفت و رحمت دل آنانرا از اغیار بسوی خود می گرداند و می گوید : بیگانه را دوست نگیرید و دشمن به صحبت خود مپسندید ، در کار خدا دوست گیرید و در دین خدا یار پسندید ، حقایق ایمان را از دوستی اولیاء حق جوئید و آنرا در دشمنی با دشمنان دین یابید .

مصطفی فرمود : محکم ترین رشته ایمان ، دوستی و دشمنی در راه خدا است و دشمنان دین یکی شیطان است و دیگری نفس امّاره ، و دشمنی نفس امّاره از شیطان سخت تر است / که شیطان در مؤمن طمع ایمان نکند بلکه از وی طمع معصیت دارد ، ولی نفس امّاره او را به کفر کشد و از وی طمع کفر دارد ، شیطان ز لاجول بگریزد ولی نفس امّاره نگریزد ، نفس امّاره آدمی را به بد کاری امر می کند و بزرگترین دشمن انسان نفس او است که میان دو پهلوی او قرار دارد .

لطیفه : یوسف صدیق بود که او را در چاه افکندند و به بندگی فروختند و سالها در زندان بماند و نفس امّاره نتوانست بر او چیره شود !

۵۴- مَن يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ . آیه . در این آیت دانا یانرا اشارتی است و مؤمنانرا بشارتی است ، اشارت آنست که خداوند گزوشوان (حافظ) و نگهبان دین حنیف و ملت اسلام است و پیوسته برجا است و چه زیان به این دین رسد اگر قومی برگردند و مرتد شوند؟ خداوند دیگرانی را آورد که به جان و دل آنرا باز گیرند و بنابر پرورد و احکام شرع به ایشان محفوظ دارد و بیساط دین به مکان ایشان مزین سازد و رقم دوستی برایشان کشد که آنان خدا را دوست دارند و خداوند هم آنانرا دوست دارد !

آنان کسانی هستند که چراغ معرفت در سیر ایشان افروخته ، نور خدائی مرتبی ایشان و دامن پیغمبری مهدایشان ، و ازل و ابد در وفای ایشان است !

بشارت آنست که هر کس مرتد نیست در شمار دوستان است و اهل محبت و ایمان ، هر کس در ورطه ردت

نهیتماد او را بشارت است که در زمره دوستان افتاد، و خداوند نخست دوستی خود را با او اثبات کرد و آنگاه دوستی بندگان را برای خود، تا بدانی که تا خداوند بنده ای را به دوستی خود نگیرد دوست او نبود!

پیر طریقت گفت: نشان یافت اجابت دوستی رضا است، و افزاینده آب دوستی وفا است، مایه گنج دوستی همه نورا است و با تم درخت دوستی همه سرور، هر که از دوگیتی جدا ماند در دوستی معذورا است و هر که از دوست پاداش دوستی خواهد ناسپاس است، دوستی دوستی حق است و دیگر همه وسواس نزدیکتر منزل به خداوند دوستی است؛ دوستی درختی است که بار سر در آرد، و از او همه گلهای انس روید، دوستی ابری است که همه نور بارد و شرابی است که همه شهید سازد، و راهی است که همه مشک و عیبر آرد، رقم دوستی ازلی است و داغ آن ابدی؟

تا دوستی دوست مرا عادت و خوست از دوست منم همه و از من همه دوست!

به داود چنین وحی آمد: ای داود هر که مرا جوید به حق مرا یابد و آن کس که دیگری جوید مرا چون یابد؟ ای داود، زمینیان را گو: رو به صحبت و مؤانست با من آرید و به ذکر من انس گیرید تا انس دل شما باشم، من طینت دوستان خود را از طینت ابراهیم خلیل خود و از طینت موسی کلیم خود و از طینت محمد حبیب خود آفریدم. ای داود، من دل مشتاقان را از نور خود آفریدم و به جلال خود پروردم، مرا بندگانی است که ایشان را دوست دارم و آنان مرا دوست دارند، ایشان مرا یاد کنند و من ایشان را یاد کنم ایشان از من خوشنود و من از ایشان خوشنود باشم، ایشان در وفای عهد با من و من در وفای عهد با ایشان، ایشان مشتاق من و من مشتاق ایشان.

۵۰ - اِنَّمَا وَلِيكُمُ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ . آیه . یکی از عارفان بزرگ در این باب گوید: چون خداوند خواهد که بنده ای برگزیند، و از میان بندگان او را ولی خود گرداند، اول نوازشی که بر او نهد آن باشد که ویرا بر ذکر خود دارد، تا از کار خود به کار حق پردازد و از یاد خود به یاد حق پردازد و از مهر خود به مهر حق آید، و چون با ذکر و مهر حق آرام گرفت او را به خود نزدیک گرداند و نشان نزدیکی او حلاوت عبادت و کراهت معصیت و عزلت از خلق و لذت خلوت باشد، پس او را در مجلس خلوت بر بساط انس نشاند، آزاد از خلق و شاد به حق، و بی قرار در عشق، حجابها برداشته و مکاشف جلال و عظمت گشته، از خود بیگانه و با حق یگانه شده^(۱).

پیر طریقت گفت: ای مهیمن اکرم، ای محتجب معظم، ای منتجلی به کرم، ای قسام پیش از لوح و قلم، با داکه روزی باز هم از زحمت حوا و آدم، آزاد شوم از بند وجود و عدم، از دل بیرون کم این حسرت و ندم، و با دوست بر آسایم یک دم، و در مجلس انس قلع شادی بردست نهاده دمام!

(۱) شیخ طبرسی در تفسیر مجمع البیان در مورد این آیه می گوید: « ولی کسی است که بر مردم ولایت داشته و به امور آنان قیام کند و واجب اطاعت باشد. و مفهوم آیه این است که کسی که عهده دار مصلحت و هدایت شما میشود و به تدبیر امور شما بی پردازد، همانا خداوند و پیغمبران او است که پیغمبر نیز به ابراهیم به این کار قیام می کند. و نیز ولی کسانی هستند که ایمان آوردند و آنان کسانی هستند که نمازی گزارند و زکات می پردازند در حالیکه را کعبند. و این آیه روشن بر دلیل بر ولایت و امامت بلائصل حضرت علی (ع) است که بمعنی اولی ولی، ایشان واجب اطاعت بودند و به تدبیر امور مردم می پرداختند. و براد از آن الذین آمنوا، نیز حضرت علی است و این آیه نص بر امامت علی (ع) است و دلیل بر آنکه مراد از این آیه حضرت امیر مؤمنان است اینکه طبق روایت عاصه و خاصه (سنی و شیعه) حضرت علی در حال رکوع انگشتر خود را به سائل بخشید و جمع بودن کلمه آمنوا هم منافی با این معنی ندارد زیرا در قرآن و نزد اهل لغت گاهی مفرد را به منظور تعظیم و تعظیم به صورت جمع می آورند. »

ناکی جدل اندر حدت و قدمت عالم؟
بیزار نخواهی شدن از عالم و آدم!

ناکی سخن اندر صفت و خلقت آدم!
ناکی توفیقی راه بر بن برده و ناکی؟

تفسیر لفظی

۵۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الدِّينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنَ الدِّينِ أُولَئِكَ كِتَابٌ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَاتِ اللَّيْلِيَّاتِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ . ای مؤمنان ، کسانی که دین شما را به فسوس و بازی گرفتند از همان کسانی که پیش از شما دارای کتاب آسمانی بودند و هم چنین کافران را ، دوستان خود مگیرید و آنانرا دوست مشمارید و از خشم و عذاب خداوند بپرهیزید اگر واقعاً ایمان دارید .

۵۸- وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هُزُؤًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ .
و چون ندای نماز دهید و مردم را به نماز خوانید ، آنان نماز را فسوس و بازی گویند ، و این بدان سبب است که ایشان گروهی هستند که حق را در نمی یابند و بی خردند .

۵۹- قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ . بگو (ای محمد) : ای اهل تورات و انجیل ، در چه چیز شما با ما کین دارید ؟ جز اینکه ما به خدا و آنچه بنا فرستاده و به آنچه از پیش فرستاده ایمان آورده ایم ، (براستی) بیشتر شما فاسق و از طاعت بیرون شدگانید .

۶۰- قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ . ای محمد ، به آنها بگو : آیا شما را خبر دهم به کسانی بدتر از مؤمنانی که پاداش بد (بنظر شما) نزد خدا دارند ؟ آنها کسانی هستند که مورد خشم خدا واقع شدند و به بوزینه و خوک تبدیل گشتند و بت پرستیدند ، البته آنان به بدترین جا هستند و به گمراه ترین راهند .

۶۱- وَإِذَا جَاؤُكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ . (آنان) چون نزد شما آیند گویند ایمان آوردیم و چون درآمدند با کفر آمدند و وقتی هم بیرون رفتند با کفر بیرون رفتند و خداوند داننا تراست به آنچه آنان پنهان می دارند .

۶۲- وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ . بسیاری از ایشانرا بینی که بسوی گناه و دشمنی و فزون جویی می شتابند و رشوت خوردن آنان بدترین کاری است که می کنند !

۶۳- لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَنْبِيَاءُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمِ وَأَكْلِهِمُ السَّحْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ . چرا رهبانها و دانشمندان آنها را از دروغ گفتن و رشوه خوردن نهی نمی کنند ؟ بد چیزی است که ایشان می کنند .

۶۴- وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُوبَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلَعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ . جهودان گفتند : دست خدای روزی رسان بسته است البته دست خودشان بسته شده و لعنت شدند

به آنچه گفتند (چنین نیست) بلکه دست خداوند گشاده است و هر طور که بخواهد نفی می کند. وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارَ الْلِجْحَابِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ. و هر آینه طغیان و کفر، بیشتر آنان را به آنچه خداوند بسوی تو و برای تو فرود فرستاده است زیاد خواهد کرد و ما میان ایشان تار و زرستاخیز دشمنی و زشتی و کینه توزی بیفکنیم و هرگاه آتش جنگ را روشن کنند خداوند آنرا خاموش گرداند و آنان پیوسته در زمین فساد کنند (ودلها را از حق بازمی گردانند) و خداوند فساد کاران را دوست ندارد.

تفسیر ادبی و عرفانی

۵۷- لَا تَتَّخِذُوا الدِّينَ اتِّخَاذًا هُزُوعًا وَاعْبَادًا. آیه. هر که مسلمان است بار احکام اسلام بر او نه گران است، هر کس صاحب دین است دین بر دل وی شیرین است، موحّد را نعمت توحید شاهد دل و دیده و جان است و مؤمن پیوسته بر درگاه خدمت بنسته میان است، زیرا هر طینتی را دولتی است و هر فطرتی را خدمتی، هر کسی را منزلی است و بندگان رحمن را منزلت جز بندگان شیطان است، مقبولان حضرت دیگرند و مطرودان جماعت دیگر، یکی در حضرت راز به بانگ نماز شاد شود و چون گل بر بار بشکفتد و پیوسته منتظر آن نشسته و از بیم فوت آن بگداخته. لطیفه: درویشی را دیدند بر پای ایستاده و سر در انتظار فرو برده، گفتند: ای درویش، آن چیست که در انتظار آن چنین فرو شده ای؟ گفت: طهارت کرده ام وقت راز در آمده، انتظار بانگ نماز می کشم.

این چنین کس را چگونه توان با کسی که از شربت کفر و فسق و نفاق مست شده برابر کرد، باشد که فرق نکند میان بانگ نماز و بانگ نای و ساز، این است وصف حال آنان که خداوند فرمود: وقتی بانگ نماز بلند میشود کافران آنرا فسوس و بازی می گیرند!

گویند: پیری از جانی می گزشت بانگ نماز شنید، پیر گفت: این بانگ طعنه و لعنت است! چند گامی فراتر رفت سگی را دید بانگ می داد، پیر گفت: این بانگ تسبیح و تهلیل است! مریدان پرسیدند این چیست؟ جواب مؤذن را چنین داد و جواب سگ را چنان؟ گفت: اعتقاد این مؤذن پاک نیست و دین او راست نه! بانگ نماز و دیگر بانگها نزد او یکسان است از این جهت جواب او را لعنت و جواب سگ را تسبیح دادم! که از سگ تسبیح شنیدم که خداوند فرمود: هر چیزی خدا را تسبیح می کند!

لطیفه: نوشته اند: وقتی اذان گوید، درهای دوزخ بسته میشود و وقتی اشهد ان لا اله الا الله می گوید، درهای بهشت باز میشود، وقتی می گوید: اشهد ان محمدا رسول الله نعمتهای بهشت نمایان میشود.

۵۹- قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا. آیه. ای محمد آن بیگانگان را بگو که بر ما چه عیب می نهید و چه طعن کنید؟ ایمان ما را به غیب، عیب می شمارید، ما کارها را به حق و گذار کردیم و نادیده و نادریافته به جان و دل پذیرفتیم، ما این کردیم، و شما فرمانی کردید و سرکشیدید و خویشان را از ربه بندگی بیرون بردید، عیب همه بر شما است، و طعن در شما است و خشم و لعنت خدا بر شما است!

۶۳- لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الْإِنْسِيُونَ وَالْأَجْنَابُ. آیه. باری ایشان که در میان شما رسانیانند و احبار و درمیان شما اختیار که بدانند مخصوصند و به دریافت موصوفند، چرا نادانان را باز نزنند و به دانش خویش آتش جهل آنرا فرو نشانند؟

آینا نمی دانند که فایده علم آنست و طریق عالم چنان است که بر زبان نصیحت راند و در دل همت دارد تا جاهل را از جهل و عاصی را از معصیت باز دارد و بی راه را به راه باز آرد و گمراه را رهبری کند، چون چنین نباشد ثمره علم کجا باشد؟ و شرف علم چگونه پدید آید؟

۶۴- وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَبْدُ اللَّهُ مَعْلُومَةً. آیه. اگر موحدان بنادانی روزی یکدگر را غیبت و بدگویی کنند چون در راه توحید راست روند و تسلیم پیشه کنند امید است که آنان را عفو کنند، اما صعب و مینکر آنست که در آفریدگار منزله ناسزا سخن گویند و آنچه را عیب مخلوق شمیرند برخالق بندند چنانکه این بیگانگان گفتند: دست خداوند بسته است! پیر طریقت گفت: در توحید تسلیم پیشه کن، هر چه از عقل رود باک نیست و در خدمت طاعت پیشه کن هر چه از معاملات فروشود باک نیست و در زهد فراغت پیشه کن اگر گنج قانون در دست تو است باک نیست و از خداوند خداوند جوی از هر که بازمانی باک نیست.

تفسیر لفظی

۶۵- وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دَخَلْنَا لَهُمُ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ. اگر خوانندگان تورات ایمان (به محمد) آورند و از خشم و عذاب خدا بپرهیزند، ما گناهان و بدیهای ایشانرا بسترز می (بخشیدمی) و بپوشیدمی و آنانرا در بهشتی ناز در آوردمی!

۶۶- وَلَوْ أَنَّهُمْ آتَمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءٌ مَا يَعْمَلُونَ. اگر جهودان تورات را بپای داشتندی (و به کردار آن به حق ایستادندی) و هم چنین اهل انجیل را، هر آینه از بالای سر روزی می خوردند (از باران ها و برکت های آسمانی) و از زیر پاهایشان (از نعمت های زمین) بهره مند می شدند، آنان گروهی میانبرو هستند و بسیاری از آنها بد عمل می کنند!

۶۷- يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ. ای فرستاده خدا، آنچه از سوی خداوند به تو فرو فرستاده آمده به مردم برسان، که اگر نرسانی هم چنان است که هیچ از پیامهای وی نرسانده باشی، و خداوند تو را از مردمان (بدی و آزار آنها) نگاه میدارد، و خداوند کافران را رهبری نمی کند.

۶۸- قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُتَمِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَسْتَ بِلَدْنِ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ طُبَّانًا وَكَفَرًا فَلَآتُنَّ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. بگو (ای محمد): ای جهودان و ترسیان شما بر هیچ چیز نیستید (مزیت و ارزشی ندارید) مگر آنکه کتاب های آسمانی را بپادارید (هر کدام بر حسب ایمان خود) و هم چنین شما که اهل قرآن هستید آنچه بسوی شما فرو فرستاده شده است به پا دارید. و هر آینه بسیاری از آنان نسبت به آنچه به تو (ای محمد) فرستاده شد سیرکشی و کفر زیاد خواهند کرد و تو از عمل کافران و ناکر و نندگان دلتنگ و اندوهگین مباش.

۶۹- إِنَّ الدِّينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. مؤمنان و جهودان و کسانی که میان این دودین هستند

و ترسایان هرکس از اینان به خداوند و روز رستاخیز ایمان آورد و کار نیکو کند، هیچ ترس و بیمی برایشان نیست و هرگز اندوهگین نخواهند بود.

۷۰- لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلْنَا اجْعَلُوا إِلَهُكُمْ رَبًّا وَارْتَقُوا فِي الْبُحْرِ فَأَنجَيْنَاهُمْ وَأغرقناهم فَمِنْهُمْ قَوْمٌ مُّسِرٌّ وَفَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ. ما از فرزندان یعقوب پیمان ستدیم و رسولانی به آنها فرستادیم، و هر وقت که فرستاده‌ای چیزی را که برخلاف میل و هوای نفس آنها بود برای آنها می آورد، گروهی آنرا تکذیب و گروهی دیگر آنها را می کشند!

۷۱- وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِئْتَنَةً فَعَمَّوْا وَصَمَّوْا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمَّوْا وَصَمَّوْا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بِصِعْرٍ بَصِيرٌ يَعْمَلُونَ. آنان گمان کردند که هرگز آزمایش نخواهند شد این بود که کور و کر شدند، پس از آن خداوند توبه آنها را پذیرفت، باز بسیاری از آنها کور و کر شدند و خداوند به آنچه اینان می کنند بینا است.

تفسیر ادبی و عرفانی

۶۵- وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا. آیه. این آیت اشاره به بیان فضیلت و شرف محمد است بر اهل کتاب، چونکه آمرزش مؤمنان را بر تقوی بست و آنرا در مغفرت و رحمت شرط کرد و مقتضای دلیل خطاب آنست که هر که را تقوی نیست مغفرت هم نیست و اینکه فرمود خداوند اهل تقوی و اهل مغفرت است برای آن است که از وی ترسند و تقوی پیشه کنند، پس اگر تقوی نبود، سزاوار است که بنده را بتفضل خویش ببخشاید و این است شایسته خداوندی و مهربانی و بنده نوازی! که آنچه کند به سزاواری و شایستگی خود کند نه به استحقاق بندگان!

۶۶- وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ. آیه. شگفت آنکه عالمیان پیوسته در بند روزی فراخند و در آرزوی لذات این دنیا لیکن راه بدست آوردن نمی دانند و به تهیه اسباب آن راه نمی برند، خداوند در این آیت می گوید: اگر می خواهی رحمت و نعمت ما از بالا و نشیب و از راست و چپ روی به تو کند تو روی بطاعت ما آر و تقوی پیشه کن، تو روی در کار ما و در فرمان ما آر، تا ما کار تو را درست کنیم که هرکس با خداست خدا هم با اوست، هرکس تقوی پیشه کند روزی او بی حساب رشد.

۶۷- يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ. آیه. این ندای خداوند که بنام رسالت است شریفتر است از دیگر نداها، زیرا درجه رسالت بالاتر از درجه نبوت است و رسالت را قومی است مخصوص و هرکس که رسول شد نبی نیز هست لیکن هر نبی رسول نیست، چنانکه انبیاء را بر اولیاء شرف است رسولان را هم بر انبیاء شرف است، وحی انبیا برای خود آنها است لیکن وحی رسولان رساندن به مردم است و این وحی برد و قسم است: یکی بیان احکام شریعت و حلال و حرام و دیگری ذکر اسرار محبت و حدیث دل و دل آرام، از این رو جبرئیل هرگاه برای بیان شریعت آمدی بصورت بشر بودی و حدیث دل در میان نبوی!

آن ندا می گوید: ای محمد، احکام شرایع دین را به خلق رسان و هیچ و هیچ و امگیر، لیکن حقیقت رسالت و اسرار محبت نه بر اندازه طاقت ایشان است که آن مشرب خاص تو است، ما آنچه باید به دل تو رسانیم خود رسانیم. این بود که در آن موقعها جبرئیل با چهره روحانی فرود آمدی نه بصورت بشر، که همی به دل پیوستی و راز و ناز بادل او بگفتی! چنانکه فرمود: روح الامین به قلب محمد نازل شد، تو گوئی آن حضرت در آن حالات، همه دل بودی و آن دل همه سر بودی و آن سر

همه وحی بودی و کس را بر آن اطلاع نبودی و چنانکه بود خداوند او را به کس ننمود.

ای ماه بر آمدی و تابان گشتی
مرد فلک خویش خرامان گشتی
چون دانستی برابر جان گشتی
نآسمان فر و شدی و پنهان گشتی!

... وَاللَّهُ يُعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ آیه . در این مورد روایت کنند که روزی محمد (ص) تنها روی به صحرا نهاد تا به وادی رسید که در آنجا مردی قهار و زورمند و دشمن عنود و لجوج او را تنها در بیابان دید گفت: ای محمد تویی که لات و عززی را دشنام دهی و دعوت به دیگر خدای کنی؟ فرمود: آری، من می گویم لات و عززی باطل است و معبود مردم خدای آسمان است، آن مرد گفت: ای محمد بیا تا من و تو بنام خدای خویش دستی بیازمائیم تو الله را به یاری خود گیر و من لات و عززی، پس اگر تو مرا بیفکنی ده رأس گوسفند از بهترین گله خویش بتو دهم، عهد بستند و رسول خدا در پنهانی بازاری خدا را خواند و گفت: خدایا، خداوند! مرا بر این دشمن بجزار و قهار یاری ده، دست فراهم دادند و محمد آن مرد را بیفکند و برسینه او نشست آن مرد گفت: ای محمد، این تونکردی این خدای تو کرد که او را بیاری خواستی و لات و عززی مرا خوار کردند! محمد از سینه او برخاست، این کار سه بار تکرار شد و آن مرد خواست نه گوسفند با اختیار او گذارد، فرمود: مرا گوسفند لازم نیست، اگر به اسلام آئی و خود را از آتش برهانی تورا به باشد! آن مرد از تیرگی دل ایمان نیاورد و پیغمبر هم از گوسفندان او درگذشت. در راه که بخانه بز می گشت چند نفر از صحابه او را دیدند و دانستند که تنها به آن صحرا رفته که آن مرد قوی و شقی است! پرسیدند: چگونه تنها رفتید؟ فرمود: خدا بمن وحی فرستاد که تورا از آزار و بندی خلاق نگاه میدارم!

تفسیر لفظی

۷۲- لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَا فِيهَا النَّارُ وَاللَّظَالِمِينَ مِّنْ أَنْصَارٍ. هر آینه کسانی که گفتند عیسی پسر خدا است کفر گفتند، در صورتیکه خود مسیح به فرزندان اسرائیل گفت: خدای من و خدای خودتان را (که یکی است) پرستش کنید و بدانید که هر کس برای خدا شریک سازد و شرک به خدا آورد خداوند بهشت را براو حرام کند و بجای او در آتش است و خداوند یارستم کاران نیست.

۷۳- لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمِمَّنْ إِلَهٌ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابُ أَلِيمٌ. کسانی که گفتند خداوند سومی آن سه تا است در صورتیکه خدائی نیست جز یک خدا، و این مردم اگر از آنچه می گویند باز نایستند به آنان که کافر شدند عذابی دردناک خواهد رسید.

۷۴- أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. آیا باز نمی گردند بسوی خدا و توبه

نمی کنند و آمرزش نمی خواهند؟ که خداوند آمرزنده و مهربان است!

۷۵- مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَا كِلَانِ الطَّعَامِ أَنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَتَى يُؤْفَكُونَ. مسیح پسر مریم نبود جز یک فرستاده خداوند که پیش از او هم فرستادگانی بودند و مادرش زنی پارسا است که آن دو نفر غذا می خوردند (مانند همه مردم بودند)

درنگر (ای محمد) که چگونه مانشانه را برای آنان آشکاری سازیم، پس باز بنگر که چگونه آنها از دریافتن حق روگردان و دروغ زنند؟

۷۶- قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ .
 بگو: ای محمد، آیا جز خداوند کسی را می پرستید که دارای هیچ گونه سود و زیانی نیست؟ و خداوند شنوا و دانا است.
 ۷۷- قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ . ای اهل کتاب، در دین خود و در مخالفت با حق غلو نکنید و پیروی
 هوای گروهی نباشید که از پیش گمراه و بی راه شدند و بسیاری را از راه بیرون کردند و خود از شاه راه به بی راهی رفتند.
 ۷۸- لُعِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ . از فرزندان یعقوب آنان که کافر شدند، به زبان داود در زبور و به زبان عیسی در انجیل لعنت شدند و علت آنهم عصیان و نافرمانی آنان بود و در کارها هم زیاده روی می کردند.

۷۹- كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ . يك دگر را از کارهای زشت و ناپسند منع نمی کردند و هر آینه کاری بد و عملی ناپسند بجای می آوردند .

۸۰- تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ . بسیاری از آنها می بینی که با کافران همساز و همدل هستند و بد چیزی است
 هوای نفس آنان که از پیش به آنها فرستاده و نتیجه آن خشم خداوند بر آنها است و در عذاب جاویدانی هستند .

۸۱- وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا لَهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِن كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ . اگر آنان به خدا و پیغمبر ایمان داشتند، آن گروه را دوست و هم دل خویش نمی گرفتند، لکن بیشتر
 آنان از اطاعت بیرون و زشت کار هستند .

۸۲- لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ .
 تو خواهی یافت (ای محمد) که سخت ترین دشمنان مؤمنان جهودان هستند و کسانی که کورکورانه شرك آوردند و خواهی
 یافت که نزدیکترین مردم از حیث دوستی با مؤمنان کسانی هستند که گفتند: ما مسیحی هستیم . و این بدان سبب است که
 در میان آنان کشیشان و رهبانان هستند که کبر و گردن کشی به مردم ندارند .

تفسیر ادبی و عرفانی

داستان خدائی عیسی :

۷۲- لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ . آیه . آنانکه دیده تمیز نداشتند و میان ربوبیت و عبودیت فرق نگذاشتند و لاهوت را به ناسوت فرود آوردند و جلال قدم را باضعف عدم برابر دانستند و این مایه ندانستند که عیسی نابوده دی ، بیچاره امروز، نایافته فردا ، جوان دی ، کهل امروز و پیر فردا و مرده پس فردا ! چگونه با خدای بی همتا و معبود یکتا برابر باشد ؟ هرگز بنده کی مانند به کردگار ؟ و آفریده به آفریدگار ؟ عیسی نبوده و پس بوده ، محتاج طعامی و شرابی و خوابی و قضای حاجتی گشته ، با این عیب عار چگونه توان گفت که او خدا گشته ؟

۷۶- قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا آیه. آیا کسی را می پرستید که نه در دست او دفع ضرر و نه در توان او جلب منفعت؟ نه کسی را سود تواند نه از کسی گزند باز دارد. این چنین کس خدائی را چون شاید؟ خدا او است که خالق همه او است، سود و زیان، بند و گشاد، نیک و بد، امر و نهی، همه در توان او است و نافذ در همه آنها مشیت او است، روان بر همه امر او است، بود همه به اراده و علم او است.

لطیفه: خوشا بحال کسی که از در توحید و تصدیق در آید که و پرا از سه شربت یکی دهند، یا شربت بی دهند که دل به معرفت زنده شود، یا زهری دهند که به آن نفس امّاره کشته شود، یا شرابی دهند که جان از وجود، مست و سرگشته شود، پس تو هم خدمت صافی دار تا بهره بری و بر مرکب مهر نشین تا به حضوررسی!

۷۷- قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ آیه. غلو در دین آنست که بر آن چیزی بیفزایند و یا چیزی از آن بکاهند، نه آن و نه این، نه افراط و نه تفریط. چنانکه شیطان در تفریط ظفر یابد در افراط هم ظفر یابد، بجاده راست راه میانه است اراه میانه بسوی حق میشود، راه میانه از تعطیل پاك است و از تشبیه دور، تشبیه راه کفر است، راه میانه آنست که گوئی: از صفات خدا نام دانیم لیکن چونی ندانیم، کوشیم که یابیم نتوانیم، و گر به عقل گرد آن گردیم از سنت در مانیم، هر چه خدا و رسول گفت در پی آنیم، فهم خود را گم کردیم و صواب دید خویش را معزول نمودیم و به اذعان به جهل گردن نهادیم و به سمع قبول پذیرفتیم، راه تسلیم سپردیم، و به زبان تصریح گفتیم: خدایا ما بتو ایمان آوردیم و فرستاده تورا پیروی کردیم پس ما را با گواه دهندگان بشمار.

... وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا آیه. بر حدّ را باشید از آن قوم که بر پی هوای دل خواست خویشند که ایشانرا نه نور بصیرت است نه چراغ معرفت نه اعتقاد بر بصیرت نه سخن بر بیعت، خدا ایشانرا داور، دشمن ایشان پیغمبر، جایگاه آنان سقر، رأی شیطان رأی ایشان، و دوزخ سر ایشان!

۷۸- لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ آیه. کافران را به زبان پیغمبران لعنت یاد کرد و مؤمنان را بی واسطه پیغمبران به رحمت و ثناء خود یاد فرمود، که او خود بر مؤمنان درود (صلوات) می فرستد، و گرنه، عتاب و قهر بودی و سیاست و جنگ کردی، چون آنچه خود گوید همه خوش بود، همه فضل و شرف بود و زبان حال مؤمنان این است:

اردستت از آتش بود	ما را ز شکل مفرش بود
هر چه از تو آید خوش بود	خواهی شفا خواهی آلم

تفسیر لفظی

۸۳- وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. وقتی (اصحاب نجاشی) آنچه از قرآن به پیغمبر نازل شده شنیدند، اشک از چشمهاشان به سبب آنچه از حق بشناختند روان میشود، و در آنحال می گویند: پروردگارا، ما گرویدیم پس ما را در شمار گواهان خویش نویس.

جزوه هفتم:

۸۴- وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَتَطْمَعُ آنَ يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ. چه رسد ما را که به خدا و به آنچه از حق برای ما آمده ایمان نیاوریم؟ در حالیکه امیدواریم خداوند ما را در گروه نیکان و شایستگان آرد.

۸۵- فَاثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ. پس خداوند در برابر آنچه گفتند به آنان بهشتی داد که از زیر درختهای آن آب روان است و در آنجا جاویدانند.

۸۶- وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّجِيمِ. و کسانی که بر کفر خود ماندند و نشانی ما را تکذیب کردند، آنان دوزخیان و یاران آتشند.

۸۷- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. ای گروهندگان پاکبهارا که خداوند بر شما حلال کرده حرام نکنید و از اندازه درمگذارید که خداوند تجاوزکنندگان را دوست ندارد.

۸۸- وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ. از روزی حلال و پاک که خداوند داده بخورید و شماها که مؤمن هستید از خشم خدا بپرهیزید.

۸۹- لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْفَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. خداوند شما را در سوگندهای لغو و باطل و بی هوده نگیرد لکن شما را در سوگندهایی که به دل آهنگی سوگند دارید میگیرد و کفاره آن غذا دادن به مستمندان است از حد وسط غذای خودتان یا پوشاندن آنان یا آزاد کردن یک نفر برده مسلمان. پس هر کس نتواند باید سه روز روزه دار شود. این است کفاره سوگندهای شما وقتی سوگند میخورید (و از آن باز آید) و سوگندهای خود را از گراف و بیداد نگاه دارید. چنین است بخنان خداوند که برای شما بیان می کند تا مگر شما سپاس گزار باشید.

تفسیر ادبی و عرفانی

۸۳- وَإِذْ أَسْمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْنَا مِنَ الرَّسُولِ. آیه. اشارت است به اینکه ایمان شنیدنی است و دیدنی و شناختنی و گفتنی و عمل کردنی، سَمِعُوا دلیل بر شنیدنی، تَرَى دلیل بر دیدنی، يَقُولُونَ دلیل بر گفتنی، ذَلِكُمْ جَزَاءُ دلیل بر عمل کردنی است، و ابتدا به سماع از آن جهت است که بنده در آغاز چون حق بشنود او را خوش آید و در پذیرد و به کار بندد که گفته اند: سه چیز نشان معرفت است: گریه بر جفا، دعا بر عطا، و رضا به قضا، و هر کس که این سه خصلت در او نیست در دعوی خود صادق نه، و در شمار عارفان نیست و در میان جوان مردان و دین داران او را نوائی نیست:

پیر طریقت گفت: معرفت دو قسم است: معرفت عام و معرفت خاص معرفت عام سمعی است و معرفت خاص عیانی است، معرفت عام از عین وجود است و معرفت خاص محض موجود، معرفت عام را گفت: وَإِذْ أَسْمِعُوا و معرفت خاص را گفت: بِرَبِّكُمْ آیاتیه، آیه اول شریعت را مدح است و دوم حقیقت را بیان!

۸۴- وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ. آیه. این آیت درباره جوانمردانی بیامد که بجانهاشان اندوهناک و دلهاشان دردناک و سر بر آسار عزت دین در ازل در طینت ایشان نهادند پس آنان گفتند: حال که جمال عزت قرآن بر دلهای ما تجلی نمود، چگونه ننازیم؟ و در راه عشق او جان ننازیم؟

ما را غم آن غمزه غماز خوش است وز چون نوبتی کشیدن ناز خوش است
داستان جوان و جنید و شبلی: گویند در روزگار جنید و شبلی (دو بزرگوار جهان عرفان) پیرزنی را فرزندى بود
که او را ناخکف می شمردند و از عجایب تقدیر خبر نداشتند و ندانستند که این خلف و ناخلف بودن نقدی است که به دست
تقدیر در ضرب خانه ازل زده اند و کس را بر آن اطلاع نداده اند، آن پسر را همه روز در خرابات می دیدند آشفته روزگار
مادر او شب و روز دست بدعا برداشته و در خدای می زارد و می نالد که: بار خدایا این جگر گوشه ما را از این گرداب
گناه کاری بیرون آر، و از جام بیداری او را شربتی ده، تا دل مافارغ گردد، ناگهان هاتنی ندا در داد که: ای پیرزن، خوش
باش که ما این پسر را در کار دل پردرد تو کردیم و آن گاه دانه شوق بردام محبت برای صید او بستیم، تا پیرزن در این اندیشه
بود جوان از درد درآمد آشفته و سرگردان، نعره همی کشید و همی گفت: خدای من کجا است؟ خدای من کجا است،
کجاست جویم ای ماه دلستان از کجاست خوانم ای دلربای دوستان ای مادر، خدای من کو؟ دل گشا و رهنمای من کو؟
مرهم خستگی من کو؟ داروی درماندگی من کو؟ امروز کجا به دست آید این چنین خراباتی تا به غبار قدم او تبرک گیرم و آنرا
کحل دیده خویش سازم؟ چه نیکو گفت آن جوان مرد:

در زوایای خرابات از چنین مستان هنوز چند گوئی مزد هست و مردهست آن مرد کو؟
بر درختی کین چنین مرغان همی دستان زنند زان درخت امر و زاصل و بیخ و شاخ و ورد کو؟
از برای انس جان اندر میان انس و جان يك رفيق هم سرشت همدم همدرد کو؟

هم چنان همی بود تا دیگر روز هر ساعت سوخته تر و واله تر دیگر روز مادر او را نزد مشایخ شهر برد و گفت:
این پسر مرا درمان بسازید و این درد را درمان کنید، ایشان درماندند و گفتند: این دردی بس استوار است و جای گیر، تدبیر
آنست که او را به بغداد نزد پیران طریقت جنید و شبلی بری که او تاد جهان ایشانند. پیرزن با هزاران رنج پسر را به بغداد
برد، روز دیگر جنید در وی نگریست، قابل نظر ربوبیت دید و از باطن آن جوان فهمید که خورشید دولت از زیر ابر
بشربت او می درخشد! گفت: ای پیرزن، او را به مکه بر، نزد دونفر پیران جهان که درمان درد نزد ایشان است. مادر
با هزاران مشقت پسر را به مکه برد، شاهان طریقت چون او را بدیدند گفتند: عجب جوانی است! نسیم صباى دولت
فقر از سر زلف او می دمدا! او را به کوه لبنان برید که بنیاد روزگار آنجا است، مادر سرگردان گفت: پسر جان برنجیز که
هر آینه زیر این گلیم چیزی است! آنگاه سرو پای برهنه، با شکم گرسنه روی در بیابان نهادند تا به کوه لبنان رسیدند:

بویان و دوا کنند و غم بویان، بجهان در در صومعه و کوهان، در نماز و بیابان
یکچند در آن صحرا گشتند تا به کنار چشمه آبی رسیدند، شش کس را دیدند ایستاده و یکی در پیش نهاده،
چون آن جوان را دیدند استقبال کردند گفتند: دیر آمدی، نماز کن بر این مرد! که وی غوث^(۱) جهان بود و چون از دنیا
بیرون می شد وصیت کرد که خلیفه من در راه است همین ساعت رسد! او را گوئید تا بر من نماز کند و مرفع من در پوشد
و بجای من نشیند! آن جوان رفت و غسل کرد و مرفع شیخ در پوشید و انوار خدائی بر نقطه دل وی تجلی کرد! مشکلات
شربت و اسرار طریقت همان دم بردل وی کشف شد! پسر فراز آمد و آن شیخ را غسل بداد و بر او نماز گزارد و او را در
حاک نهاد و بجای او نشست، پیرزن چون دید در دم آهی کشید و جان بداد!

(۱) در تفسیر آیه ۹۰ سوره نساء گفته شد که همیشه در این جهان ۴ نفر اولیاء و ثقباء و اوتاد و ابدال هستند به
نام رجال غیب و شماره آنها از ۷ نفر و هفت نفر و پنج نفر و سه نفر و یک نفر است که آن یک نفر قطب و غوث یعنی
شاه جهان است و غوث به ترتیب از میان سه نفر برگزیده میشود و یکی از سه نفر از میان پنج نفر و هم چنین تا آخر.